

کلیاتی در مورد امام عصر (ع)

به همراه مجموعه پاسخ به پرسش ها

مطالب این کتاب از سایت www.Abasalesh.org گرفته شده است.

با تشکر از مولف و مدیران این سایت

پدر، مادر و ولایت امام زمان علیه السلام
پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام یازدهم شیعیان است ،
بنقل شیخ مفید امام عسکری علیه السلام در مدینه در ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ متولد شد و در سال ۲۶۰
در سن ۲۸ سالگی در منزل شخصی خود در سامرا به شهادت رسید.^{-۱}
مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام -ملیکه- است که از طرف پدر دختر -یشوعا- فرزند امپراطور
روم شرقی بود، و از طرف مادر نوه شمعون از یاران مخصوص حضرت عیسی علیه السلام و وصی او
بشمار می رفت.

او با اینکه در کاخ می زیست و با خاندان امپراطوری زندگی می کرد اما آنچنان پاک و با عفت بود
که گویی شباهت به خانواده خود ندارد، بلکه به مادر و خانواده مادری کشیده و زندگی همچون
زندگی شمعون و عیسی علیه السلام و مریم علیهما السلام از صفا و معنویت و پاکی خاصی برخوردار
بود، از اینرو دوست داشت با یک خانواده پاک و خداپرست وصلت کند و به توحیدیان پیوندد،
خداوند او را در این هدف کمک کرد و او را بطور عجیب -که در داستان ماجرای اسارت او و
خریداری از جانب امام هادی علیه السلام برای امام عسکری علیه السلام در تاریخ آمده است - به
خواسته و هدفش رسانید.

ملیکه یا نرجس خاتون به خانه امام حسن عسکری علیه السلام وارد شد، امام هادی علیه السلام به
خواهرش حکیمه فرمود: او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز، او همسر فرزندان حسن
علیه السلام و مادر مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود، آنگاه به نرجس رو کرده و فرمود:
مژده باد ترا به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکومتش پر از عدالت و دادگری کند، پس از آنکه
پر از ظلم و جور شده باشد.

آری این چنین یک دختر پاک و دانا، آلودگی کاخ شاهان را رها کرد و در خط جد مادریش -
شمعون - قرار گرفت و سرانجام به سعادت عظمای همسری حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
در آدم و لیاقت پر افتخار مادر حضرت قائم -عج- را پیدا کرد.

او نامهای دیگر مانند ریحانه ، صقیل و سوسن نیز دارد و خواهر امام هادی علیه السلام حکیمه او را به عنوان سیده -خانم - می خواند.

این بانوی با سعادت در سال ۲۶۱ هجری و به روایتی قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و قبر شریفش در سامرا کنار قبر منور امام عسکری علیه السلام قرار گرفته است.^{۲-}

امام قائم -عج - از همین خاندان پاک در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در زمان حکومت معتمد عباسی در سامرا متولد شد و هنگام شهادت پدر، پنج ساله بود.^{۳-}

تولد آن حضرت را جز عده ای خاص نمی دانستند و برای نوع مردم مخفی بود، تا مبادا مورد گزند طاغوتیان غاصب و ستمگر زمان قرار گیرد.

حکیمه خاتون عمه امام حسن عسکری علیه السلام گوید: روز پنجشنبه نیمه شعبان به منزل برادرم رفتم ، هنگام مراجعت ، امام عسکری علیه السلام فرمود: امشب را نزد ما باش ، امشب فرزندی که خداوند زمین را به علم و ایمان و هدایت او زنده گرداند متولد می شود.

بالاخره ماندم صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون علیها السلام پدید آمد، او را در بر گرفتم ،

امام علیه السلام فرمود: سوره قدر را بر او بخوان ، مشغول خواندن سوره قدر شدم شنیدم آن کودک در رحم مادر در خواندن سوره با من همراهی می کند در این موقع پرده ای بین من و آنها افکنده شد،

دیگر نرجس را نمی دیدم ، از آنجا سراسیمه دور شدم امام عسکری علیه السلام فرمود: برگرد،

برگشتم در نرجس علیها السلام نوری مشاهده کردم که دیده ام را خیره کرد و امام زمان علیه السلام را

دیدم رو به قبله به سجده افتاده سپس دستش را بلند کرد و می گفت: گواهی می دهم به یکتائی خدا

و اینکه جدم ، رسول خدا صلی الله علیه و آله است ، و پدرم امیر مؤمنان علیه السلام ، وصی رسول

خدا است ، بعد یک یک امامان را شمرده تا به خود رسید.

او را به نزد پدرم بردم ، تا او را دید به دست گرفت و پس از خواندن آیاتی از قرآن و انجیل و تورات

و زبور این آیه را تلاوت فرمود:

- و نريد ان نم ن علي الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين و نمکن لهم في

الارض و نري فرعون و هامان و جنود هما منهم ما كانوا يحذرون؛-

-اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین ، نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی

زمین قرار دهیم ، حکومتشان را پا بر جا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند

از این گروه نشان دهیم -^{۴-}

نمونه کامل و گسترده مفهوم آیه مذکور، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین بوسیله امام

قائم -عج - است.

سخني درباره نيمه شعبان

شيخ حر عاملي رحمه الله از بزرگان اصحاب نقل مي كند كه امام صادق عليه السلام فرمود:
- شبى كه حضرت قائم -عج- در آن متولد شد، هيچ نوزادى در آن شب متولد نمي شود مگر اينكه مؤمن خواهد شد، و اگر در سرزمين كفر متولد گردد، خداوند او را به بركت امام مهدي -عج- به سوي ايمان منتقل مي سازد.⁵⁻

در نيمه شعبان زيارت حضرت امام حسين عليه السلام و همچنين زيارت امام زمان عليه السلام مستحب است ، امام صادق عليه السلام فرمود:

- شب نيمه شعبان بهترين شب بعد از شب قدر است و خواندن دو ركعت نماز در شب نيمه شعبان بعد از نماز عشاء مستحب است ، در ركعت اول بعد از حمد، سوره كافرون و در ركعت دوم بعد از حمد سوره توحيد خوانده شود.⁶⁻

غسل و شب زنده داري و عبادت در اين شب بخصوص فضائل بسيار دارد، اين شب در نزد خدا چنين مقامي دارد كه ولايت با سعادت امام زمان عليه السلام در سحرگاه اين شب واقع شده و بر عظمت و رونق آن افزوده.

ضمناً رواياتي آمده كه نيمه شعبان همان شب قدر و تقسيم ارزاق و عمرها است ، و در بعضي از اين روايات است شب نيمه شعبان شب امامان عليهم السلام است و شب قدر شب رسول خدا صلي الله عليه و آله است.

از جمله فضائل اين شب اينكه ، از شبهاي مخصوص زيارت امام حسين عليه السلام است كه صد هزار پيامبر -صلواة الله عليهم- آن حضرت را در اين شب زيارت مي كنند.

از نمازهاي مستحبي كه در اين شب وارد شده دو ركعت نماز است كه در هر ركعت بعد از حمد صد بار سوره توحيد خوانده مي شود.

نقل شده: رسول اكرم صلي الله عليه و آله فرمود: شب نيمه شعبان در خواب ديدم جبرئيل بر من نازل شد و فرمود: اي محمد: اي محمد صلي الله عليه و آله و سلم در چنين شبى خوابيده اي؟ گفتم: اين شب چه شبى است؟

فرمود: شب نيمه شعبان است برخيز، مرا بلند كرد و به بقيع برد، و سپس فرمود: سرت را بلند كن زيرا در اين شبها درهاي رحمت خدا در آسمان بروي بندگان باز است ، همچنين در رضوان ، در آمرزش ، در فضل ، در توبه ، در نعمت ، در جود و سخاوت ، در احسان باز است ، خداوند به عدد پشمها و موهاي چرندگان در اين شب گنهكاران را آزاد مي كند، پايان عمرها در اين شب ، تعيين مي گردد، رزق هاي يكسال در اين شب تقسيم مي شود و حوادث يكسال در اين شب معين مي گردد.
اي محمد! كسي كه اين شب را با تكبير و تسبيح و تهليل و دعا و نماز و قرائت قرآن و اطاعت و

خضوع و استغفار بسر برد، بهشت منزل و سرای او است، و خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد... ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم این شب را احیاء دار و به امت خود دستور بده آنها نیز این شب را احیاء بدارند، و با عمل به سوی خدا تقرب جویند، چرا که این شب شبی شریف است. از اعمال این شب، خواندن دعای کمیل در سجده است روایت شده که کمیل گوید دیدم علی علیه السلام این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواندند.

در مورد زیارت امام حسین علیه السلام در این شب بخصوص در صورت امکان در کنار قبرش، آمده هر که بشناسد امام حسین علیه السلام را و شهادت او و هدف شهادتش را که موجب نجات امت گردید و وسیله و راهگشایی برای رسیدن به فوز عظیم شد - خلاصه اینکه عبادتش در این شب از روی توجه و علاقه و معرفت خاص باشد - آنگونه خویشتن را در برابر خدا خاضع نماید که شایستگی آن را دارا می باشد و نیز از خدا خواسته های شرعی را تقاضا کند.^{۷-}

نام و کینه امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام هنگام تولد تا وقتی که پدرش به شهادت رسید - از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰ - مخفی بود و تنها خواص از اصحاب او را می دیدند و مسائل خود را از ایشان می پرسیدند، هنگام رحلت پدر، پنج سال داشت، سرانجام عواملی باعث شد که آن حضرت از نظرها غایب گردید و نخست غیبت صغری و سپس غیبت کبری به وجود آمد - که در این مورد، بعد سخن خواهیم گفت -.

بهر حال: چنانکه در روایات آمده، محل زندگی امام زمان علیه السلام در دوران کودکی همچون محل زندگی حضرت موسی علیه السلام مخفی بود تا از گزند طاغوتیان محفوظ گردد.^{۸-} در اینجا برای اینکه دورنمایی از دوران خفقان آن زمان را دریابیم شایسته است به داستان زیر توجه فرمائید.

جعفر کذاب عموی امام زمان علیه السلام

گاه می شود بر اثر عواملی، از حضرت نوح علیه السلام پسری ناخلف بنام کنعان و یا از حضرت آدم علیه السلام پسری متمرّد بنام قابیل به وجود می آید.

حضرت امام هادی علیه السلام دارای ۵ فرزند بنامهای امام حسن علیه السلام، حسین، محمد، جعفر، و علی بود. در میان این فرزندان، جعفر، بسیار ناخلف بود که لقب کذاب - دروغگو - را گرفت، امام هادی علیه السلام درباره او فرمود: از فرزندم جعفر دوری کنید، نسبت او به من همچون نسبت کنعان به نوح علیه السلام است، امام عسکری علیه السلام فرمود: مثل من و جعفر مانند هاییل و قابیل دو فرزند آدم علیه السلام است، اگر کشتن من برای جعفر ممکن بود، مرا می کشت، ولی خداوند جلو او را گرفت.

جعفر از افرادی بود که ادعای امامت داشت و پس از رحلت پدر می گفت امام مردم من هستم نه برادرم، امام عسکری علیه السلام، حتی پس از رحلت پدر نزد خلیفه وقت رفت و گفت: بیست هزار

اشرفی برای تو می فرستم و از شما خواهش دارم که فرمان دهی تا بر مسند امامت بنشینم و این مقام از برادرم سلب گردد.

خلیفه در جواب گفت: عجب آدم احمق هستی اگر امامت در دست ما می بود آن را برای خود قرار می دادیم اگر امام شناسان و شیعیان آنچه از برادرت و پدرت از معجزات و... دیدند از تو ببینند تو را امام خود می دانند، دیگر نیازی به کمک ما نداری و گرنه هرگز به تو ایمان نخواهند آورد. کارشکنی های او در عصر امامت برادرش امام عسکری علیه السلام بجائی نرسید ولی پس از شهادت برادرش دوباره شروع به ادعا کرد و اعلام داشت که امام بعد از برادرم من هستم. امام عسکری علیه السلام برای اینکه امر بر مردم اشتباه نشود و امامت امام مهدی -عج- را از کارشکنی های جعفر، حفظ کند، در آخرین لحظات عمر، یکی از اصحاب بنام -ابوالادیان- را به حضور طلبید و به او فرمود:

-چند نامه هست اینها را به مدائن می بری و به فلان و فلان کس می رسانی و جواب نامه ها را می گیری، روز ۱۵ به سامراه می آئی، صدای گریه از خانه من خواهی شنید مطلع می شوی که من از دنیا رفته ام. -

ابوالادیان: فدایت شوم، معلوم است که سخن شما راست و درست است، و همین طور که می فرمائی خواهد شد ولی سؤالی دارم و آن اینکه پس از شما امام کیست؟

امام عسکری علیه السلام: -امام کسی است که جواب نامه ها را از تو مطالبه کند.-

ابوالادیان: علامت دیگر امام پس از شما چیست؟

امام عسکری علیه السلام: -امام کسی است که بر جنازه من نماز بخواند.-

ابوالادیان می گوید: علامت دیگر چیست؟

امام عسکری علیه السلام فرمود: امام کسی است که از میان همیانهای طلا خبر دهد.-

ابوالادیان می گوید: ابهت امام عسکری علیه السلام مرا گرفت، دیگر نپرسیدم که منظور چه همیانی است برخاستم خداحافظی کردم نامه را گرفتم بسوی مدائن رهسپار شدم، نامه ها را به صاحبانشان دادم جواب نامه ها را گرفت و به سامره برگشتم همین که وارد خانه امام حسن علیه السلام شدم صدای گریه شنیدم فهمیدم که امام عسکری علیه السلام دار دنیا را وداع کرده است ولی دیدم گروهی دور جعفر کذاب را گرفته اند و به او به عنوان امام تهنیت می گویند و بعضی به او تسلیت می گفتند.

در این میان کسی آمد و به جعفر گفت: جنازه برادرت را غسل داده اند، بفرمائید بر جنازه نماز بخوانید دیدم جعفر برخاست و همراه گروهی برای انجام نماز رهسپار شد، با خود گفتن: عجباً! اگر امام مردم، بی دین بشود، معلوم می شود که همواره دین از اول سست بوده است، چون من جعفر کذاب را می شناختم که همواره با ساز آواز و شرابخواری سر و کار داشت، من هم دنبال جعفر براه افتادم تا ببینم

جریان به کجا منتهی می شود.

کنار جنازه امام عسکری علیه السلام رسیدیم جعفر پیش ایستاده و همراهان پشت سرش ، گفتم دیگر کار از کار گذشت ، ناگهان پرده سفیدی که در حجره آویزان بود بلند شد، دیدم کودکی نورانی پیدا شد، ردای جعفر را گرفت و فرمود: ای عمو! پس برو، من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم ، جعفر مانند نقش بر دیوار هیچ نتوانست بگوید و کنار رفت.

آن کودک مشغول نماز شد و پس از نماز همین که خواست برود به من رسید و فرمود: جواب نامه ها را به من بده ، نامه ها را به او دادم ، رفت به حجره ، با خود گفتم حمد و سپاس خدا را که دو علامت از علاماتی که امام عسکری علیه السلام به من فرموده بود ظاهر شد، نزد جعفر آمدم و گفتم این طفل که بود؟

گفت : من اصلاً چنین کودکی را ندیده ام و نمی شناسم.

مسافران قمی و جعفر کذاب :

روز بعد دیدم گروهی از اهل قم آمده بودند به زیارت امام عسکری علیه السلام نائل شوند، مطلع شدند که حضرت از دنیا رفته است ، پرسیدند: امروز امام و حجت خدا کیست ؟

گروهی جعفر کذاب را نشان دادند، اهل قم نزد جعفر آمده و سلام کردند و گفتند: پول زیادی که مخصوص امام علیه السلام است برای شما آورده ایم ، دستور داد پولها را بگیرند.

گفتند: ما هر وقت خدمت امام عسکری علیه السلام می رسیدیم و پولی نقد می آوردیم نام صاحبان پول را حضرت می بردند و حدود مبلغ را از درهم و دینار می فرمود، شما هم اگر امام هستید و جانشین برادر خود می باشید مبلغ و عدد و اسم صاحبان پول را بگوئید.

جعفر گفت : مردم از من علم غیب می خواهند، مگر برادرم علم غیب داشت ؟

اهل قم گفتند: در چنین صورت ما پول را نخواهیم داد.

دستور دستگیری امام زمان علیه السلام

جعفر دید با این وضع به هدف شوم خود نمی رسد، نزد معتمد عباسی خلیفه وقت رفت و گزارش داد که برادرم امام عسکری علیه السلام پسری دارد و او بر جنازه پدرش نماز خواند -امام عسکری علیه السلام برای حفظ فرزندش حضرت حجت -عج - از دشمنان ، تولد او را به کسی نفرموده بود.- خلیفه ، ضد ماءمور به فرماندهی شخصی بنام -رشیق - به خانه امام عسکری علیه السلام فرستاد و به او دستور اکید داد که برو به خانه امام عسکری علیه السلام همه حجره ها را جستجو کن ، بی آنکه اجازه بگیری وارد خانه شو.

رشیق با ماءمورین به خانه امام عسکری علیه السلام آمدند و همه حجره ها را گشتند تا به آن حجره که در آن پرده سفید آویزان بود رسیدند، پرده را بلند کردند دریائی آنجا دیدند که در وسط آن ،

کودکی سجاده انداخته و نماز می خواند، رشیق بیکی از ماءمورانش دستور داد که برو، و آن کودک را بگیر. آن ماءمور تا به سراغ کودک آمد در میان آب غرق شد.

رشیق به دیگری دستور داد، دیگری وقتی خواست به طرف کودک رود در آب غرق شده با فریاد بلند تقاضای کمک کرد، او را نجات دادند، حضرت با کمال وقار نماز را تمام کرد و سپس در پیش روی ماءموران از حجره بیرون آمد. ماءموران گویا چوب خشکی شده بودند. اصلاً نتوانستند کوچکترین آسیبی به کودک که حضرت حجت -عج- بود برسانند.

همین موقع بود که حضرت مهدی علیه السلام غایب شد و غیبت صغری به وقوع پیوست.^{۹-}

مشخصات امام زمان علیه السلام

بهر حال امام زمان علیه السلام در زمان پدر که ۵ ساله بود -از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰، سال شهادت پدر- نزد پدر بود، ولی در مخفیگاه بسر می برد، بسیاری از اصحاب ائمه علیهم السلام و علما و فقهای اعلام اسلام، وی را زیارت کرده اند، حتی بسیاری از نوابغ و علمای بزرگ چین و بخارا و سمرقند و هندوستان و اندلس و اروپا به سامراه سفر کرده و توسط امام عسکری علیه السلام با امام زمان علیه السلام ملاقات کرده و مسائل خود را از وی پرسیده اند، و نشان سوغات و هدایای صاحبانش را از او خواسته اند، او به یک یک آنها پاسخ صحیح داده است. -چنانکه این مطلب در جلد ۵۲ و ۵۳ بحار بطور مفصل آمده است. -

برای اینکه بیشتر با این عزیز که پرده های غفلت و گناه، ما را از دیدارش محروم ساخته آشنا شوید به این حدیث توجه کنید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

- المهدي من ولدي اربعين سنة كان وجهه كوكب دري في خده الايمن خال اسود عليه عبائتان قطوا نيتان، كانه من رجال بني اسرائيل يستخرج الكنوز و يفتح مدائن الشرك؛-

مهدی -عج- از فرزندان من دارای چهل سال است -یعنی هنگام خروج همچون مرد چهل ساله است - صورتش همچون ستاره درخشان است، در گونه راستش خال سیاهی است و دو عبای قطنی بر دوش دارد، قیافه اش همانند مردان بنی اسرائیل -زمان حضرت موسی علیه السلام- است گنجها را استخراج کند، در کشورهای شرک را فتح کرده و تحت رهبری خود در می آورد.^{۱۰-}

از خصوصیات امام قائم -عج- اینکه آن حضرت از ناحیه پدر از نسل امام حسین است، از ناحیه مادر از نسل امام حسن علیه السلام است، از این رو که مادر امام باقر علیه السلام از فرزندان امام حسن علیه السلام است.^{۱۱-}

از ویژگیهای او اینکه پس از ظهور، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان آمده و پشت سر او نماز بجا می آورد.^{۱۲-}

و دیگر اینکه در آخر عمر امام قائم - که رجعت امامان به وجود می آید - پس از آنکه حضرت قائم - عج - از دنیا رحلت کرد، امام حسین علیه السلام بدن او را غسل می دهد.^{۱۳-}

و دیگر اینکه امام عصر - عج - شبیه یوسف علیه السلام و عیسی علیه السلام و موسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

این هم در جای خود بسیار جالب است که بزرگترین چهره انقلابی تاریخ، حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام در غسل و کفن و دفن مصلح بزرگ جهان حضور یابد.

بهر حال مردم در هر زمان، امام زمان علیه السلام خود را بشناسد و هر زمانی دارای امام است - و این کتاب برای همین منظور نگاشته شده - در زمان ائمه علیهم السلام یاران امامان در این جهت خیلی کوشا بودند که امام حق را بشناسند، اکنون به روایت زیر توجه کنید:

محمد بن عثمان^{۱۴-} گوید: از پدرم شنیدم گفت: از امام عسکری علیه السلام این سؤال شد و من در حضورش بودم، سؤال این بود:

- این مطلب که از پدران شما نقل شده: هیچگاه زمین از حجت خدا خالی نمی ماند و اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ زمان جاهلیت مرده است^{۱۵-} آیا حق است؟ -

امام حسن علیه السلام فرمود:

آری این مطلب حق است همچنانکه روز حق است، شخص پرسید: بعد از شما امام مردم کیست؟

فرمود: پسر محمد، امام و حجت بعد از من است کسی که بمیرد و او را نشناسد به مرگ زمان جاهلیت مرده است، ولی برای او غیبتی هست که نادانان در این مورد حیران گردند و منحرفان هلاک شوند، و کسانی که وقت ظهورش را تعیین کنند او را تکذیب نمایند، سپس ظهور می کنند گویا می بینم طوقهای سفیدی را که بر بالای سر او در نجف و کوفه در حرکت است.^{۱۶-} و در پرچم ارتش آن حضرت نوشته شده:

- الیبعه لله؛ بیعت مخصوص خداست -.^{۱۷-}

از ویژگیهای آن بزرگوار اینکه: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

- مهدی طاووس اهل بهشت است. -

و در عبارت دیگر فرمود:

- چهره مهدی - عج - از فرزند نام همچون ماه تابان است، رنگ چهره اش عربی است و بدنش همانند جسم مردان بنی اسرائیل - بلند قد - است، زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می کند، اهل آسمانها و زمین و پرندگان در هوا از حکومتش راضی هستند، بیست سال حکومت می کنند -.^{۱۸-}

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دختر گرامیش فاطمه علیها السلام رو کرد و به این شخصیتها

افتخار کرده و فرمود:

-بهترین پیامبران پدرت است، و از ما است بهترین اوصیاء که شوهرت علی علیه السلام است و از ما است بهترین شهدا که عموی من حمزه است، از ماست آن کس که دو پر دارد و با آن دو پر در بهشت هر جا بخواهد به پرواز در می آید، و او پسر عموی پدرت جعفر است، از ماست دو سبط این امت، دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و این دو فرزندان تو هستند و از ما است مهدی -عج- و او از فرزندان تو است -^{۱۹}-
امام سجاد علیه السلام فرمود:

-قائم ما دارای نشانه هایی از شش پیامبر است:

۱- نشانه ای از نوح علیه السلام.

۲- نشانه ای از ابراهیم علیه السلام.

۳- نشانه ای از عیسی علیه السلام.

۴- نشانه ای از موسی علیه السلام.

۵- نشانه ای از ایوب علیه السلام.

۶- نشانه ای از محمد صلی الله علیه و آله و سلم. -

امام نشانه اش از نوح علیه السلام طول عمر است، اما نشانه اش از ابراهیم علیه السلام مخفی بودن محل ولادتش است، اما نشانه اش از موسی علیه السلام ترس از دشمن و غیبت است - که موسی علیه السلام از ترس فرعونیان از مصر به مدین رفت و مدتی مخفی بود- اما نشانه اش از عیسی علیه السلام اختلاف رأی مخفی بود- اما نشانه اش از عیسی علیه السلام اختلاف رأی مردم درباره اش، و اعتزال او از مردم است، اما نشانه اش از ایوب علیه السلام گشایش و پیروزی پس از بلیات و گرفتاری است، اما نشانه اش از محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام به شمشیر است -^{۲۰}-

و در بعضی روایات، نشانه ای از حضرت یوسف علیه السلام نیز ذکر شده و آن زندان است -^{۲۱}-

شاید منظور دوری او از دوستانش که به منزله زندانی بودن او است -

از ویژگیهای امام قائم -عج- اینکه: امام حسین علیه السلام فرمود:

-او از نظرها پنهان است تا کسی او را به بیعت خود نخواند، و او زیر پرچم هیچ رهبر ناشایستی نرود -^{۲۲}-

۲۲-

شوکت و قدرت فوق العاده امام علیه السلام

حضرت رضا علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

-قائم علیه السلام کسی است که هر گاه خروج کند، در سن پیری است اما سیمای جوان دارد، و

آنچنان قدرت جسمی دارد که دستش را به بزرگترین درخت روی زمین بیاندازد، می تواند آن را از

ریشه بر کند، و اگر در میان کوهها صدایش را بلند کند سنگهای کوهها قطعه قطعه گردند، عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام همراه اوست.^{-۲۳-}

از ویژگیهای حضرت قائم -عج - اینکه: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
-بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خدا آنها را دوست دارد و مرا به دوستی با آنها فرمان داده است:

۱- علی بن ابیطالب علیه السلام ۲ حسن علیه السلام ۳ حسین علیه السلام ۴ مهدی -عج - که پشت سر مهدی -عج - حضرت عیسی علیه السلام نماز می خواند.^{-۲۴-}

و در روایت دیگر فرمود: -ما خاندان عبدالمطلب سادات و بزرگان بهشت هستیم، من و برادرم علی علیه السلام و عمویم حمزه و جعفر و حسن و حسین و مهدی علیهم السلام.^{-۲۵-}

شمائل حضرت مهدی علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

-مهدی از ما خاندان است، بلند پیشانی و بر آمده بینی است -که وسط بینی اش برآمدگی دارد.^{-۲۶-}
و نقل شده: روزی حضرت علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود:

این پسرم آقا است چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را آقا خواند، و بزودی خداوند در صلب او مردی ظاهر سازد که همنام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شماس است، و در صورت و سیرت شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، وقتی که مردم در غفلت بسر می برند و حق زیر پا قرار گرفته و مرده شده و ظلم و جور آشکار گشته، خروج می نماید، سوگند به خدا اگر خروج به قیام نکند، گردنش را می زنند، اهل آسمان و ساکنان آن از خروجش شاد می شوند، بلند پیشانی و برآمده بینی، سطر شکم، لاغر ران و در ران راستش، خالی هست، گشاده دندان می باشد، زمین را همچون که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند.^{-۲۷-}

از خصائص امام مهدی -عج - اینکه: حکومتش سراسر جهان را می گیرد، در این مورد مفسر معروف اهل تسنن قرطبی روایت می کند که جمیع کسانی که جهانگیر شدند چهار نفرند که دو نفرشان کافر بودند یعنی نمرود و بخت النصر و دو نفرشان مؤمن بودند یعنی: ذوالقرنین و سلیمان بن داود علیهماالسلام و بزودی از امت اسلام پنجمین نفر حاکم سراسر زمین می شود و او مهدی -عج - است.^{-۲۸-}

جایز جعفری گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود:

-روزی عمر بن خطاب از امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام توضیح خواست.

علی علیه السلام فرمود: اما نامش، حییم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با من عهد کرده که

نامش را نبرم تا خداوند او را مبعوث کند، امام سیمایش ، او جوان نه بلند قد و نه کوتاه قد، خوش صورت است ، مویش زیبا است ، و از سرش به شانه اش ریخته ، نور صورتش سیاهی موی سر و صورتش را تحت الشعاع قرار داده است. -

امام صادق علیه السلام فرمود:

-مهدی -عج - خروج نمی کند مگر در سالهای طاق مانند ۱۳۷۵-۹-۲۹-

لقب قائم علیه السلام و مهدی علیه السلام چرا؟

می پرسند :

چرا زمان علیه السلام با کلمه -قائم - و -مهدی - خوانده می شود، و اینکه بعضی با شنیدن لقب -

قائم - برمی خیزند و می ایستند برای چیست ؟

پاسخ :

در بسیاری از روایات ، آن حضرت با لقب قائم^{۳۰} و مهدی ، یاد شده و در مورد قائم ، بسیار می شد که در زمان ائمه علیهم السلام بر اثر ظلم و فساد و حاکمان غاصب ، امامان به یاد امام زمان علیه السلام می افتادند و می فرمودند :-قائم ما انتقام ما را خواهد گرفت.-

قائم یعنی قیام کننده ، نظر به اینکه قیام و نهضت حضرت مهدی -عج - جهانی است و در تمام تاریخ بشر چنین قیام و حکومتی نبوده ، آن حضرت با این عنوان خوانده می شود.

اما اینکه پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ و یا با تلفظ به این کلمه برمی خیزند و می ایستند، این کار یک نوع عمل مستحبی است و احترام و اظهار پیوند و انتظار آن حضرت است و ضمناً مردم را به یاد نهضت و قیام حضرت مهدی -عج - می اندازد و برای آنها تلقین عملی می شود که باید برخاست ، نهضت کرد، امیدوار بود و به زمینه سازی برای ظهور و قیام جهانی رهبری معصوم و قاطع که امید پیامبران و امامان و همه مستضعفان جهان و قلب تپنده هستی است پرداخت.

این کار حتی در زمان امام صادق علیه السلام در میان شیعیان معمول بوده ، حتی نقل شده در خراسان در حضور حضرت امام رضا علیه السلام کلمه -قائم - ذکر شد، امام رضا علیه السلام برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود :-اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه؛-

-خداوندا بر فرجش شتاب کن ، و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان.-^{۳۱}

اما در مورد واژه مهدی ، از این روست که امام زمان هدایت شده و هدایت کننده است.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی در این مورد فرمود:

- انما سمي القائم مهديا لانه يهدي الي امر مصلول عنه و سمي القائم لقيامه بالحق؛-

آن حضرت را مهدی گویند، زیرا او مردم را به امری که گم کرده اند هدایت می کند، و قائم گویند

چون به حق قیام کند.-^{۳۲}

از امام باقر علیه السلام سؤال شد چرا قائم را -قائم - خواندند؟
فرمود:

- زیرا یاد او فراموش می شود و بسیاری از معتقدان به امامت آن حضرت ، راه ناصحیح می روند.-
از آن حضرت سؤال شد چرا او را منتظر گویند؟ فرمود:

- زیرا برای او غیبتی طولانی است که روزهایش بسیار است افراد مخلص و پاک در انتظارش بسر می
برند ولی افراد شکاک و مردد او را انکار می کنند و منکران ، نامش را به مسخره می گیرند و تعیین
کنندگان وقت بسیارند، عجله کنندگان در او به هلاکت می رسند، مسلمانان در مورد او نجات می
یابند.-

اقامتگاه حضرت مهدی علیه السلام کجاست ؟ -^{۳۳-}

می پرسند :

امام قائم -عج - کجاست و آیا فرزند و همسر دارد؟

پاسخ :

از قواعد و روایات معصومین علیهم السلام استفاده می شود که امام قائم -عج - هم اقامتگاه مخصوص
دارد و هم زن و فرزند.

در مورد اقامتگاه آن حضرت نخست باید توجه داشت که آن حضرت همه ساله در مراسم عظیم حج
شرکت می کند . -^{۳۴-}

و بعضی از سعادت‌مندان در مراسم حج به محضرش شرفیاب شده اند.

همچنین هر جا که بخواهند از مشاهد مشرفه و... خواهد رفت.

اما در مورد اقامتگاه آن حضرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص -اوتاد- چندین مکان مانند:
مدینه ، دشت حجاز، کوه رضوی ، کرعه -^{۳۵-} و سرزمینهای دور دست و... گفته شده است.

در میان این گفتار آنچه بیشتر نظرها را جلب می کند این است که اقامتگاه آن حضرت و فرزندان و
گروهی از خواص یارانش در جزیره ای از دریای بزرگ می باشد.

از امام هادی علیه السلام داستانی نقل شده که خلاصه اش این است:

حضرت مهدی -عج - و فرزندان در جزیره هائی بسیار بزرگ و پهناور در دریا زندگی می کند و
عدد شیعیان آنجا بسیار زیاد است ، و فرزندان وی هر یک حاکم جزیره ای هستند و خدا بهتر می
داند. -^{۳۶-}

داستان جزیره خضراء

در داستانی که در مورد تشرف علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۰ هجری در جزیره -خضراء- از
طرق بسیار موثق نقل شده حاکی است که اقامتگاه امام قائم علیه السلام و همسران و فرزندان در

جزیره - خضراء - است اینک اصل داستان را از کتاب اثبأ الهداء نقل می کنیم:
علامه مجلسی در بحار الانوار از یحیی بن فضل در کتاب -رسالة البحر الابيض و الجزیره الخضراء-
از علی بن فاضل مازندرانی مجاور نجف در حدیث بسیار طولانی چنین نقل می کند:
وارد شهری از شهرهای غرب -اسپانیا- شدم مرکبهایی از بلاد امام عصر-عج- وارد آنجا شد، یکی از
مسافرین آنها پیرمردی بود که چون مرا دید گفت: نام تو چیست؟ گمان می کنم علی باشد.
گفتم: آری،

گفت: نام پدرت چیست؟ گویا فاضل باشد؟

گفتم: آری، چه خوب نام من و پدرم را می شناسی.

گفت: بدان که نام و اصل و وصف و خصوصیات ترا برای من بیان کرده اند و من تا جزیره خضراء با
تو هستم.

بسیار خوشحال شدم مرا با خود به دریا برد، روز شانزدهم به آب سفیدی رسیدیم، پرسیدم اینجا
کجاست؟

گفت: بحر ابيض است و آن جزیره خضراء است که این آب سفید اطرافش را گرفته است و به
حکمت خداوند چون کشتیها و وسائل نقلیه دیگر دشمنان به اینجا رسند غرق می شوند و به آن
حضرت دست نیابند. سپس وارد جزیره خضراء شدیم و رفتیم در مسجد، شخصی بنام -سید شمس
الدین- را دیدم که می گفت: من از نوه های امام عصر-عج- هستم، پس از گفتگویی به او گفتم:
هرگز امام را دیده ای؟ گفت: نه ولی پدرم نقل کرد که صدای امام را شنیده ام و خودش را ندیده ام
و اما جدم، هم خودش را دیده است و هم صدایش را شنیده است، آنگاه با آن سید از شهر بیرون
رفتیم و به پیرمردی رسیدیم، از سید احوال آن پیرمرد را پرسیدم، گفت: این کوه را می بینی، در
وسط آن جای خرمی است و در آن چشمه ای است و کنار چشمه، قبه ای است و این مرد با رفیقش
خادم آن قبه است، من هر صبح جمعه می روم آنجا خدمت امام عصر-عج- البته با توجه به آغاز
حدیث، خود امام را نمی بیند و صدایش را نمی شنود- و در قبه دو رکعت نماز می خوانم و کاغذی
می یابم که در آن حکم مرافعه ای را که در هفته به من رجوع می کنند در آن نوشته، کاغذ را برمی
دارم و هر چه در آن نوشته به آن عمل می کنم.

علی بن فاضل گوید: از خادمها خواهش کردم مرا به حضور امام -عج- ببرند، گفتند: راهی ندارد، آن
رفیقم به من گفت: دستور آمده که تو را به وطن برگردانم، برای من و تو مخالفت روا نیست.^{۳۷-}
ناگفته نماند که علی بن فاضل داستان خود را به طور مفصل در کتابی بنام -الفوائد الشمسیه- آورده
است، و ضمناً به احتمال قوی آن آب سفید که در داستان فوق آمده همانند یک حصار محکم و
مجهز، دشمن را از آن جزیره دفع می کند.

بعضی از نویسندگان به عنوان احتمال مطرح کرده اند که شاید این جزیره خضراء - با توجه به آب سفید و سایر خصوصیات که در داستان آمده بود - همان مثلث برمودا که از عجیب ترین و مرموزترین مکانهای روی زمین است و در غربی ترین اقیانوس اطلس قرار دارد باشد.

از عجائب مثلث برمودا اینکه هر هواپیما یا کشتی به حدود آن برود بطور اسرارآمیزی ناپدید می گردد، و جالب اینکه آبهای آن سفید است، و هر روز خبر غرق شدن تعداد تازه ای از کشتیهای اقیانوس پیما در آبهای سفید - مثلث برمودا - به گوش رسیده است.

خلبانها و ملوانهایی که در این منطقه حوادثی را تجربه کرده اند گزارش داده اند که در مسیر خود، به صورت اسرارآمیزی تغییر جهت حاصل شده و به مناطقی که تصمیم نداشته اند هدایت شده اند.^{۳۸-}

این هم یک احتمالی است، که باید دانشمندان و محققان بیشتری کنند.

فقط در اینجا اضافه می کنیم: یکی از دعاهای حضرت مهدی - عج - این است که:

- اللهم احجبنی عن عیون اعدائی و اجمع بینی و بین اولیائی؛ -

خدایا مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده بدار و بین من و دوستانم اجتماع حاصل کن.^{۳۹-}

به مقتضای استجاب این دعا، اقامتگاه آن حضرت از دشمنان محفوظ خواهد بود. و ممکن است همین مطلب تائیدی باشد که آن جزیره، در مثلث برمودا است.

از سوی دیگر غیر از همسر و فرزندان، جمعی از دوستانش که طبق روایت سی تن از -اوتاد- و برجستگان هستند^{۴۰-} همواره در خدمت آن حضرت بسر می برند.

بهر حال باید با ذکر اشعار حافظ گفت:

یوسف گم کشته باز آید به کنعان غم مخور
 کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
 دور گردون گردد و روزی بر مراد ما نگشت
 دائما یکسان نماند حال دوران غم مخور
 هان مشو نومید چون واقف نه ای ز اسرار غیب
 باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور
 حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب
 جمله می داند خدای گردان غم مخور

به گفته ملا محسن فیض کاشانی :

اي تو ما را راحت جان الغياث
دردها را جمله درمان الغياث
اي سرو سر کرده هر سروري
نيست ما را بي تو سامان الغياث
ثائم آل پیامبر-عج - دست گیر!
بي توام افتادن و خيزان الغياث
کار شرع از دست شد بيرون حرام
تازه کن آئين ايمان الغياث
عالمي گرديد مالا مال شر
از جفا و جور و طغيان الغياث
خون ما خوردند اين دجاليان
مهدي و هادي دوران الغياث
فيض شد دلتنگ صحراي فراق
مونس دل راحت جان الغياث

توضیح دیگر اینکه :

براساس داستان -علي بن فاضل - فرزندان حضرت ولي عصر-عج - در جزيره اي بنام خضراء در اقيانوس اطلس ، زندگي مي کنند، و شخص آن بزرگوار همه ساله در موسم حج شرکت نموده ، پس از زيارت آباء و اجداد طاهرينش در حجاز، عراق و طوس به جزيره باز مي گردد و غالب اقامت آن بزرگوار در همان جزيره است .^{-٤١-}

نشانه هاي خود حضرت چيست ؟

پاسخ :

مقداري از نشانه هاي قائم -عج - در ضمن اين کتاب آمده است ، ولي در اینجا نیز به چند نشانه اشاره مي کنيم:

امام صادق عليه السلام فرمود:

-امامت امت^{-٤٢-} صلاح نيست مگر براي شخص که داراي سه خصلت باشد:

١-سزاوارترين مردم به امام قبل .

٢-اسلحه پیامبر صلي الله عليه و آله و سلم در نزد او باشد.

۱۳- امام سابق ، او را به طور آشکار، وصی خود کرده باشد.^{-۴۳-}

باصلت هروي گوید :به حضرت رضا عليه السلام عرض کردم نشانه قائم -عج - در وقت خروج چیست ؟

فرمود :- او در سن پيران است ولي سيماي جوان دارد ناظران به او گمان مي برند که چهل سال يا کمتر دارد، او با مرور شب و روز پير نمي شود تا پايان عمرش فرا رسد.^{-۴۴-}

مرحوم صدوق رحمه الله از امام باقر عليه السلام نقل مي کند:

-نخستين سخني که حضرت مهدي -عج - پس از قيام خود مي فرمايد اين است:-

-من بقیة الله و حجت و خلیفه خدا بر شما هستم -

سپس هیچ کس بر او سلام نمي کند بر او سلام نمي کند مگر اینکه مي گوید:

- السلام عليك يا بقیة الله في ارضه :-

-سلام بر تو اي بقیه -ذخیره بادوام - خدا در زمین خدا.^{-۴۵-}

قبلا گفتیم امام قائم -عج - در تمام جهات شباهت به پیامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم دارد حتي در قیافه و روش و خصوصیات .

نیز امام عليه السلام فرمود:

-در مکه تعداد بیعت کنندگان به ۱۰/۰۰۰ نفر مي رسند، و در سراسر زمین معبودي جز خدا يافت نمي شود و همه معبودهاي باطل ، آتش مي گیرند...^{-۴۶-}

امام صادق عليه السلام فرمود:

-شب ۲۳ ماه رمضان ندا بنام امام قائم -عج - بلند شود، و آن حضرت در روز عاشورا که در آن امام

حسین عليه السلام به شهادت رسید، قیام کند، گویا روز شنبه دهم محرم را مي نگرم که آن حضرت

بین حجرالاسود و مقام ابراهیم عليه السلام و در کنار کعبه ایستاده و جبرئیل در حضورش است ، اعلام

بیعت مي شود که همه شیعیان و طرفداران او از اطراف جهان به مکه آیند و با او بیعت کنند، زمین برای

آنها در نور دیده مي شود -که زودتر برسند-، پس آنگاه خداوند زمین را که پر از ظلم و جور شده پر

از عدل و داد کند.^{-۴۷-}

شخص پنج ساله چگونه امام مي شود؟

مي پرسند :

حضرت قائم -عج - هنگام شهادت پدر در سال ۲۶۰ هجري قمری پنج سال داشت و پس از پدر امام

بر مردم بود، آیا یک نفر پنج ساله مي تواند امامت کند؟

پاسخ :

اگر کودکی ، بخاطر استعدادهاي فوق العاده که خدا به او داده ، در اوج کمال بود، چه مانعي دارد امام

مردم شود، مانند حضرت عیسی علیه السلام که به فرموده قرآن در سن کودکی، پیغمبر و حجت خدا شد و مانند بوعلی سینا و امثال او.^{۴۸-} و در دنیا گاهی کودکان استثنائی و نابغه بسیارند مانند: -سید محمد طباطبایی قمی در عصر ما که در پنج و نیم سالگی حافظ همه قرآن شد، و هم اکنون^{۴۹-} که حدود هفت سال دارد، دروس حوزوی را می خواند، و آن چنان بر معنای آیات قرآن، مسلط است، که در گفتگو، با آیات قرآن سخن می گوید و به سؤالات جواب می دهد.^{۵۰-}

و مانند توماس یونگ و امثال او که در دو سالگی خواندن و نوشتن را می دانست و در هشت سالگی به تنهایی به آموختن ریاضیات پرداخت^{۵۱-} بسیارند و اینها حکایت از آن می کند که چنین چیزی محال نیست و وقتی محال نبود قدرت خدا به آن تعلق خواهد گرفت.

ما امامان دیگری مانند امام جواد و امام هادی علیه السلام نیز داریم که قبل از بلوغ به امامت رسیده اند. چرا این همه سخن از مهدی -عج -

می پرسند :

چرا از حضرت مهدی -عج - آن همه سخن به میان آمده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و همه ائمه علیهم السلام در فرصتهای مختلف از آن حضرت سخن گفته اند، حتی به جزئیات و شمائل و خصوصیات مربوط به آن حضرت تصریح کرده اند... که درباره هیچ یک از ائمه علیهم السلام چنین نیست ؟

پاسخ :

این همه توجه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان به حضرت مهدی -عج - و ذکر ویژگیهای شخص آن حضرت و قیام او... به خاطر چند جهت است:

۱- مردم در طول زمان، خود را آماده، ظهور آن حضرت کنند و با داشتن هدف مشخص، دنبال آن حضرت را بگیرند تا حکومت جهانی از دست استکبار جهانی بیرون آید و بدست صالحان قرار گیرد و این کار با نهضتهای اسلامی عمیق و پی گیر قابل اجرا است.

۲- ذکر خصوصیات برای آن است که افراد دروغگو که از معتقدات مذهبی مردم سوء استفاده کرده و در طول تاریخ خود را همان مهدی موعود خوانده اند، شناخته شوند و رسوا گردند.

۳- اهمیت مهدی -عج - و انقلابش که امید همه در همه جهان در تاریخ است، نیز عاملی است که قبل از ظهورش از آن حضرت سخن بسیار به میان آید و قلبها و روحها بنام نام آن حضرت سرشار از امید و توجه به آینده روشن گردد، و مؤمنان و مستضعفان بدانند که خداوند آنها را به خودشان واگذار نکرده، آنها حجت بر حق دارند، رهبری معصوم، پشتیبان آنها است، با چنین پشتیبانی از هیچ چیز و هیچ کس نهراسند و تحت رهبری او به پیش روند.

و در طول زمان غیبت، با توجه به اوصاف او، دریابند که چه کسی می تواند به نیابت عام آن حضرت،

زمام امور و رهبري را بدست گیرد، دريابند که بايد نزديکترين فرد به اين خصوصيات و اوصاف ، بر مسند نيابت عام آن حضرت بنشيند و به عنوان ولايت فقيه مردم را رهبري کند. اما اگر اين خصوصيات ذکر نمي شد و اين همه اهميت به آن داده نمي شد، مردم در بسياري از امور سياسي و اجتماعي و معنوي ، راه را گم مي کردند و از صراط مستقيم به سوي شرق و غرب پناه مي بردند.

آيا تلفظ بنام مقدس حضرت قائم -عج- جازي است ؟

پاسخ :

مشهور بين جمعي از محدثان و راويان آن است که تکلم به نام اصلي امام عصر-عج- حرام است ولي تلفظ به القاب آن حضرت مانند مهدي ، حجت ، قائم و... حرام نيست.

اينک اين سؤال پيش مي آيد آيا اين حکم مخصوص زمان غيبت صغري بوده است همانگونه که علامه مجلسي -در جلد ۱۳ بحار، چاپ قديم- از بعضي از علماء نقل کرده و يا در هر زمان و مکاني تا موقعي که حضرتش ظهور کند حرام است ؟ و اينکه حرمت تلفظ نام مقدس آن حضرت بستگي به موارد خاصي مانند تقيه و ترس دارد که اگر موارد ترس و تقيه نباشد جازي است ؟

و آيا اين مسئله اختصاص به آن بزرگوار دارد يا درباره ساير امامان عليه السلام نيز جاري است ؟ دانشمند معروف شيعه ، علامه عالي مقام شيخ حر عاملي در کتاب وسائل الشيعه در آغاز و آخر بابي که به همين عنوان در کتاب مذکور اختصاص داده. ^{-۵۲-}

همين قول را انتخاب کرده که در مورد تقيه و خوف ، تلفظ بنام آن حضرت حرام است و در غير موارد تقيه و خوف حرام نيست. ^{-۵۳-}

بررسي روايات : اين مسأله

ما در اينجا نخست به تجزيه و تحليل و بررسي رواياتي که در اين مورد رسیده مي پردازيم و پس از نتيجه گيري نظر خود را خاطر نشان خواهيم ساخت.

رواياتي که در اين مورد به ما رسیده ، پس از بررسي به چهار قسم تقسيم مي شوند:

-۱- قسم اول روايت :

پاره اي از رواياتي که در اين مورد رسیده ، دلالت دارند که تلفظ نام مبارک حضرت ول عصر-عج- به طور مطلق -در هر زمان و مکاني در هر شرايطي- بي آنکه جاي تقيه باشد حرام است و در اين قسم روايات ، علت خاصي ذکر نشده است ، در اينجا بذکر چند نمونه از اين قسم روايات مي پردازيم.

۱- مرحوم کليني رحمه الله از علي بن رثاب رحمه الله نقل مي کند که امام صادق عليه السلام فرمود:

- صاحب هذا الامر لا يسميه باسمه الا كافرا؛-

نام مبارک صاحب اين امر -حضرت ولي عصر عج- را هيچ کس جز شخص کافر نمي برد. ^{-۵۴-}

۲- و نیز مرحوم کلینی از ریان بن صلت نقل می کند که گفت:

- سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام و سئل عن القائم قال : لا یری جسمه و لا یسمی اسمه ؛ -
از حضرت رضا علیه السلام در مورد سؤالی که پیرامون حضرت قائم -عج- شده بود شنیدم فرمود :-
جسمش دیده نمی گردد، و نامش برده نمی شود.^{-۵۵-}

۳- مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب اکمال الدین از صفوان بن مهران نقل می کند که شخصی از
امام صادق علیه السلام پرسید: مهدی -عج- که از فرزندان تو است کیست ؟
فرمود:

- الخامس من ولدي السابع یغیب عنکم شخصه و لا یحل لکم تسميته ؛ -
- مهدی پنجمین امام از فرزند امام هفتم است وجود مقدسش از شما پنهان می شود و برای شما بردن
نام او جایز نیست. -^{-۵۶-}

۴- و نیز مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب نامبرده از محمد بن عثمان بن عمری رحمه الله نقل می
کند که گفت: برایم دستخطی -توقیع- پدیدار شد که با آن دستخط آشنا بودم^{-۵۷-}
به این عبارت:

- من سماني في مجمع من الناس فعليه لعنة الله ؛ -
- کسی که در میان اجتماع مردم ، نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او باد.^{-۵۸-}
۵- مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین از حضرت عبدالعظیم حسنی رحمه الله نقل می
کند که امام محمد تقی علیه السلام درباره حضرت قائم -عج- فرمود:
- یخفي علي الناس ولادته و یغیب عنهم شخصه و تحرم تسمیه و هو سمي رسول الله و کنيته ؛ -
- تولد آن حضرت بر مردم مخفی است ، وجود او از انتظار آنان پنهان است و بر آنان بردن نام او حرام
می باشد، او هم نام و هم کینه ، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.^{-۵۹-}
و روایت دیگری که در این معنی به ما رسیده است.

۲- قسم دوم از روایات :

پاره ای از روایات که در این مورد وارد شده به روشنی دلالت دارد بر ترک نام بردن آن حضرت تا
موقعی که قیام می کند و سراسر زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد می
نماید، اینک نظر شما را به چند نمونه از آنها جلب می کنیم:

۱- علامه مجلسی رحمه الله در کتاب بحار الانوار از محمد بن زیاد از دی رحمه الله نقل می کند که
امام موسی بن جعفر علیه السلام هنگامی که از امام قائم -عج- سخنی به میان آمد فرمود:
- خفي علي الناس ولادته و لا یحل لهم تسميته حتی یظهره عزوجل فیملاء به الارض قسماً و عدلاً،
کما ملئت ظلماً و جوراً؛ -

- تولد حضرت قائم -عج- بر مردم پنهان است ، نام بردن او براي آنان جايز نيست تا وقتي كه خداوند متعال او را ظاهر كند، و به وسيله او زمين را همانگونه كه پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد نمايد. -٦٠-

- ٢ علامه مجلسي رحمه الله از حضرت عبدالعظيم حسني روايت مي كند كه اما هادي -عج- درباره حضرت قائم -عج- فرمود:

- لا يحل باسم حتي يخرج يملاء الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا...! -

- ياد كردن حضرت قائم -عج- بنام جايز نيست تا وقتي كه نهضت كند و زمين را همان گونه كه پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد نمايد. -٦١-

- ٣ مرحوم كليني رحمه الله به سند خود از ابن هاشم داود بن قاسم جعفري رحمه الله نقل مي كند كه امام باقر عليه السلام در ضمن حديثي فرمود:

- و اشهد علي رجل من ولد الحسن لا يسمي و لا يكني حتي يظهر امره فيملاها عدلا كما ملئت -جورا انه القائم بامر الحسن بن علي عليه السلام؛ -

گواهي مي دهم به آمدن مردی از فرزندان امام عسکری علیه السلام که نام و کنیه اش برده نمی شود تا قیامتش ظاهر گردد، زمین را همان گونه که پر از جور شده پر از عدل و داد کند، اوست که به امر جانشینی از امام حسن عسکری علیه السلام می پردازد. -٦٢-

- ٤ مرحوم صدوق در كتاب اكمال الدين به سند خود از حضرت عبدالعظيم حسني نقل مي كند كه وي -حضرت عبدالعظيم- اعتقادات خودش را در محضر امام هادي عليه السلام عرضه داشت و -در ضمن- به امامان يكي پس از ديگري بنام اقرار كرد تا اينكه به امام دهم عرض كرد: اي سرور من! پس از اينها امام من شما هستيد؟
حضرت فرمود:

- و من بعدي ابني الحسن فكيف للناس بالخلف من بعده؟

قلت: فكيف ذلك؟

قال: لانه لا يري شخصه و لا سحل ذكره باسمه حتي يخرج فيملاء الارض قسطا و عدلا الي ان قال هذا ديني و دين آبائي؛ -

- اما بعد از من فرزندم حسن عليه السلام است ، پس حال مردم نسبت به جانشين بعد از او چگونه است ، عرض كردم : -براي چه؟- چگونه است ؟

فرمود: زيرا او ديده نمی شود و بردن نامش جايز نيست تا وقتي كه قيام كند و زمين را پر از عدل و داد نمايد تا اينكه فرمود دين و عقیده من و پدرانم همین است. -٦٣-

- ٣ قسم سوم از روايات :

پاره ای از روایات دلالت دارند که نام بردن حضرت مهدی -عج- جایز نیست و در همین روایات عدم جواز نام بردن حضرت به خوف و ترس از ضرر تعلیل شده است به عنوان نمونه به این چند روایت ذیل وقت کنید:

۱- مرحوم کلینی رحمه الله به سند خود از علی بن محمد از ابو عبدالله صالحی رحمه الله نقل می کند که گفت: پس از درگذشت امام حسن عسکری علیه السلام، اصحاب ما از من خواستند که اسم و مکان حضرت مهدی -عج- را سؤال کنم -پس از سؤال - جواب آمد:

ان دلتم علی الاسم اذا دعوه و ان عرضو المكان دلوا علیه؛-

- اگر آنها را به اسم حضرت مهدی -عج- آگاه سازید آن را ظاهر می سازند، اگر مکانش را بشناسند بر ضد او اقدام می کنند. -۶۴-

محدث بزرگ شیخ حر عاملی رحمه الله پس از نقل این حدیث می گوید این حدیث دلالت دارد که نهی ائمه اطهار علیهم السلام از نام بردن حضرت مهدی -عج- مخصوص مواردی است که خوف از ضرر و بروز فساد باشد.

۲- نیز مرحوم کلینی رحمه الله از عبدالله بن جعفر حمیری رحمه الله نقل می کند: که شخصی از محمد بن عثمان رحمه الله -نایب خاص دوم- پرسید: آیا جانشین حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را دیده ای؟ او در پاسخ گفت: آری به خدا سوگند، تا اینکه پرسید اسمش چیست؟ در پاسخ گفت:

- فالاسم محرم علیکم ان تساءلوا عن ذلك من عندي فليس لي ان احلل و لا احرم ولكن عنه عليه السلام فان الامر عند السلطان ابا محمد مضي و لم يخلف ولدا -الي ان قال - و اذا وقع الاسم وقع الطلب فاتقوا الله وامسكوا عن ذلك؛-

اما در مورد نام بردن از حضرت مهدی -عج- پرسش کردن از آن، بر شما حرام است، این را از پیش خود نمی گویم، برای من روا نیست که پیش خود چیز حلال را حرام و یا حرام را حلال کنم ولی حکم امام را گفتم، زیرا زمامدار وقت چنین تصور می کند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا چنین تصور می کند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و فرزندی بجای نگذاشت تا اینکه گفت: هر گاه نام حضرت مهدی علیه السلام برده شود نتیجه اش طلب کردن - دشمنان - از اوست، پرهیزید از خدا و از این مطلب دوم فروبندید. -۶۵-

این روایت همانند روایت است که با صراحت و روشنی دلالت دارد بر اینکه نهی از نام بردن حضرت، به خاطر خوف و رسیدن ضرر به آن بزرگوار است، چه آنکه وقتی نام او شناخته شد. دنبالش به جستجوی او خواهند پرداخت از این رو امام علیه السلام از بردن نام آن حضرت نهی فرموده، بلکه از نام بردن آن حضرت به طور مبهم رد شده، تا کسی که آن را نمی داند به آن مطلع نشود، لذا کسی که

می داند بر او اظهار آن نام حرام است.

۳- مرحوم صدوق رحمه الله در اکمال الدین از علی بن عاصم کوفی رحمه الله نقل می کند که در میان توقیعات - دست خطهای - امام زمان علیه السلام این جملات پدیدار شده:

- ملعون ملعون من سماني في محفل من الناس؛ -

مشمول لعنت است کسی که نام مرا در میان اجتماعی از مردم ببرد. -^{۶۶-}

اینکه حضرت شمول لعنت را مقید بنام نموده در میان اهل سنت - و بنی عباس - دلیل آن است که در غیر اجتماع آنها نام بردن آن حضرت جایز است.

بنابراین که بگوئیم قید در این گونه موارد دلالت بر مفهوم دارد - بنابراین - نهی امام علیه السلام به خاطر رعایت تقیه است.

۴- نیز مرحوم صدوق رحمه الله از محمد بن همام رحمه الله نقل می کند که: محمد بن عثمان عمري گفت:

- خرج توقيع به خط عرفته من سماني في مجمع من الناس فعليه لعنة الله؛ -

در توقیعی که آن را می شناختم از حضرت ولی عصر - عج - است چنین پدیدار شد: کسی که نام مرا در میان جمعیتی از مردم ببرد لعنت خدا بر او باد. -^{۶۷-}

دلالت این حدیث بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی - عج - مخصوص موارد خوف و ضرر است همانند دلالت حدیث قبل است.

۵- علامه مجلسی رحمه الله نقل می کند که ابن خالد کابلی رحمه الله گفت:

هنگامی که امام سجاد علیه السلام از دنیا رفت ، به حضور امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم قربانت گردم حتما اخلاص و انس و الفت مرا نسبت به پدر بزرگوارت و وحشت مرا از مردم می شناسی. -^{۶۸-}

امام باقر علیه السلام فرمود: آری راست می گوئی اینک منظورت چیست ؟

عرض کردم: قربانت گردم ، پدرت آن چنان صاحب این امر - حضرت مهدی - عج - را برایم توصیف کرده که اگر او را در راهی بینم دستش را می گیرم.

حضرت فرمود: ای ابو خالد منظورت چیست ؟

گفتم: می خواهم نام حضرتش را برایم بگوئی تا او را بنام بشناسم.

فرمود:

- ساءلتني و الله يا ابا خالد عن سؤال مجهد و لقد ساءلتني عن امر لو ان بني فاطمة عرفوه حرصوا علي ان يقطعوا بضعته؛ -

ای ابو خالد به خدا سوگند از من سؤال ناراحت کننده ای می پرسی ، از موضوعی می پرسی که به

کسی از آن خبر نداده ام تا به تو خبر دهم ، از مطالبی سؤال می کنی که اگر فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام او را می شناختند حرص آن داشتند که او - حضرت مهدی - را قطعه قطعه کنند.^{۶۹-}

این که می گوید اگر فرزندان فاطمه علیهم السلام او را می شناختند... دلالت دارد بر این که عده ای از آنها قصد ضرر رساندن به حضرت مهدی - عج - را داشتند، تا چه رسد به غیر آنها. از این رو امام باقر علیه السلام آن حضرت را به نام یاد نکرد تا نامش پوشیده بماند و شناخته نشود و دستهای مخالفان به آن حضرت نرسد، از ترس آنکه مبادا به وجود مقدسش ضرری برسد...

نتیجه اینکه : روایات قسم سوم بیانگر این است که پوشاندن نام حضرت مهدی - عج - به خاطر امر تعبیدی خاص نیست ، بلکه تنها به ملاک تقیه - با آن شرایطی که دارد - می باشد.

- ۴۰ - قسم چهارم از روایات :

پاره ای از روایات که در این مورد به ما رسیده دلالت دارند که خود ائمه اطهار علیهم السلام یا اصحابشان در موارد متعددی حضرت مهدی - عج - را بنام یاد کرده اند.

بی آنکه ائمه علیهم السلام اصحاب خود را از این کار نهی کنند به این چند نمونه از روایات ذیل که این معنی را تأیید می کند دقت کنید:

- ان ابا محمد الحسن بن علي العسكري بعث الي بعض من سماه ، شاء مذبوحةً و قال : هذه من عقیقه ابني محمد؛ -

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام برای بعضی از افراد که نام آنها را برده ، گوسفند ذبح شده ای را فرستاده و فرمود: این گوسفند عقیقه^{۷۰-} فرزندم محمد - حضرت مهدی - عج - است.^{۷۱-}

این روایت دلالت دارد که ائمه علیهم السلام صریحاً اسم حضرت مهدی - عج - را می بردند و ضمناً اجازه به دیگران نیز داده اند.

- ۲ - مرحوم صدوق نقل می کند: ابوغانم خادم گفت:

- ولد لابي محمد عليه السلام مولود فسماه محمدا و عرضه علي اصحابه يوم الثالث و قال هذا صاحبكم من بعدي و خلیفتي علیکم و هو القائم - عج -؛ -

برای امام عسکری علیه السلام فرزندی متولد شد، او را محمد نامید، روز سوم او را به اصحاب خود نشان داده و فرمود: این نوزاد بعد از من سرپرست و رهبر شما و جانشین من نسبت به شماست و قائم - عج - همین است -.^{۷۲-}

این حدیث گرچه دلالت آشکار ندارد که ائمه اطهار علیهم السلام نام مبارک حضرت مهدی - عج - را برده اند، ولی اگر نام بردن آن حضرت ممنوع بود ابوغانم خادم ، نام او را بر زبان نمی آورد، بلکه این حدیث - بطور اجمال - دلیل آن است که امام حسن عسکری علیه السلام برای ابوغانم و امثال او تصریح به نام حضرت مهدی - عج - کرده است.

۳- مرحوم صدوق رحمه الله از مرحوم کليني رحمه الله و او از اعلان بن رازي رحمه الله و او از بعضي اصحاب نقل مي کند:

- وقتي همسر حضرت امام عسکري عليه السلام باردار شد، امام حسن عليه السلام به او فرمود:

- ستحملين ولدا و اسمه محمد و هو القائم من بعدي؛-

بزودي پسري را حمل مي کني که نامش -محمد- است قائم بعد از من اوست -۷۳-

نقل اين احاديث بطور اجمال گواه بر جواز نام بردن آن حضرت است.

۴- مرحوم صدوق رحمه الله از ابن نصره رحمه الله و او از امام باقر عليه السلام نقل مي کند که

جابر بن عبدالله انصاري رحمه الله گفت:

- در نزد حضرت فاطمه زهراء عليها السلام صحيفه درخشاني يافتم که در آن نام ائمه اطهار عليهم

السلام از فرزندان مذکور بود، آنگاه جابر آنها را به ردیف خواند تا گفت:

- ابوالقاسم محمد بن الحسن حجد الله علي خلقه القائم امه جاريه اسمها نرجس؛-

ابوالقاسم محمد فرزند امام حسن عسکري، حجت خدا بر آفریده هایش که قائم است، مادرش کنيز و

نرجس نام داشت. -

نقل کردن همه راويان اين روايات به اضافه جابر، دليل آن است که چنين نيست که نام بردن حضرت

مهدي -عج- به طور کلي در همه جا و همه حالات ممنوع مي باشد.

۵- مرحوم صدوق رحمه الله از ابن جارود رحمه الله و او از امام باقر عليه السلام نقل مي کند که

فرمود:

- پدرم از پدرش نقل کرد که امام علي عليه السلام روي منبر فرمود: در آخر زمان مردی از فرزندانم

خروج و قيام مي کند سپس اوصاف و احوال حضرت قائم -عج- را تشریح کرد و آنگاه فرمود:

- له اسمان، اسم يخفي فاحمد و اما الذي يعلن فمحمد...؛-

او دو نام دارد يك نامش پنهان است که عبارت از احمد مي باشد، اما نام دیگری که آشکار است

محمد است -۷۴-

این روايت دلالت دارد که تصريح بنام حضرت به گفتن محمد، حتي بالاي منبر جاز است.

۶- مرحوم صدوق رحمه الله با اسناد بسياري از حسن بن محبوب رحمه الله و او از ابن داود رحمه

الله و او از امام باقر عليه السلام نقل مي کند که جابر رحمه الله گفت:

- بحضور حضرت فاطمه عليها السلام شريفاب شده و در مقابل او لوح و صفحه اي ديدم که در آن

نامهاي اوصياء از فرزندان آن بانوي بزرگوار مذکور بود، شمردم دوازده نفر بودند که آخر آنها

حضرت قائم -عج- بود.

- ثلثه منهم محمد و اربعة منهم علي؛-

نام سه نفر از آنها محمد بود - یعنی امام پنجم و امام نهم و امام مهدی - عج - و نام چهارم نفر آنها علی بود یعنی امام اول و چهارم و هشتم و دهم -^{۷۵-}

-۷- نیز مرحوم صدوق رحمه الله از مفضل بن عمر رحمه الله نقل می کند که گفت:

به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: برای ما ائمه بعد از خود را معرفی فرمائید، فرمود: - الامام بعدي ابني موسي و الخلف الماء مول المنتظر محمد بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسي؛ -

امام بعد از من فرزند موسی علیه السلام است، جانشینی که مورد آرزو و انتظار مردم است، او محمد فرزند حسن، فرزند علی، فرزند محمد، فرزند علی، فرزند موسی می باشد.^{۷۶-}

-۸- علامه طبرسی رحمه الله در کتاب اعلام الوری از محمد بن عثمان عمری رحمه الله و او از پدرش نقل می کند که امام عسکری علیه السلام در خبری که از پدرانش نقل می فرمود بیان داشت:

- زمین هیچگاه خالی از حجت خدا بر مخلوقاتش نیست و کسی که از دنیا برود ولی امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است، و این مطلب حق است همانگونه که روز، حق است.

شخصی از آن حضرت پرسید: امام و حجت بعد از تو کیست؟ فرمود:

- ابني محمد هو الامام و الحجّة بعدي فمن مات و لم يعرفه مات ميتة جاهلية؛ -

پسرم محمد امام و حجت بعد از من است کسی که از دنیا برود ولی او را نشناخته باشد، مانند مردگان دوران جاهلیت مرده است -^{۷۷-}

و روایت دیگری که به این مطلب دلالت دارند.

نظر علامه بزرگوار شیخ حر عاملی رحمه الله :

محدث و دانشمند معروف شیخ حر عاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه در آخر باب ۳۳ از ابواب امر به معروف، مطلب بسیار خوبی گفته است آنجا که می گوید:

- درباره تصریح بنام حضرت مهدی - عج -، امر بنام بردن آن حضرت به طور عموم، یا خصوص، یا صراحت، یا اشاره و ابتداء، و یا به عنوان تقریر و بیان کردن، در روایات و زیارتها و دعاها و تعقیبات نماز و تلقین میت و... جدا بسیار است -^{۷۸-}

و در پاورقی - وسائل، ج ۱۱، ص ۴۹۲- به نقل از شیخ حر عاملی رحمه الله آمده:

جماعتی از علماء ما در کتاب حدیث و اصول و کلام و... تصریح بنام حضرت مهدی - عج - کرده اند که از آنها علامه حلی رحمه الله و محقق رحمه الله و مقداد رحمه الله و سید مرتضی رحمه الله و شیخ مفید و ابن طاووس رحمه الله و... می باشند، ولی علمایی که نام بردن آن حضرت را حرام دانسته کم هستند، ما این مطالب را در رساله جداگانه ای بحث کرده ایم.

این بود آنچه که در این مورد از روایات مختلف و گفتار اصحاب وارد شده است.

شکی نیست که قول به حرمت نام بردن آن حضرت -عج- بعداً، سخنی خالی از تحقیق است، گر چه بعضی از بزرگان به آن تصریح نموده اند، بلکه ظاهر آن است که: ممنوعیت نام بردن آن حضرت بستگی به وجود ملاک تقیه دارد، ولی در غیر موارد تقیه مانند امثال زمان ما بنابر تحقیق حرام نیست.

ایردای بر کلام علامه مجلسی رحمه الله

آنچه علامه مجلسی پس از ذکر پاره ای از روایات که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آن حضرت تا هنگام ظهورش دارد^{۷۹-} می گوید:

-قول به اینکه لحن روایات صراحت دارند که حرمت نام بردن امام عصر-عج- مخصوص زمان غیبت صغری نیست که بعضی آن را به اتکا برخی علل استنباط کرده و با استبعاد و عمی اختصاص به این زمان داده اند- جدا مردود است، چه آنکه دانستی که این اختصاص به اتکاء علل استنباط شده و استبعاد و همی نیست بلکه در روایات متعدد که کمتر از روایات دیگر نیست تصریح به عدم اختصاص ممنوعیت بردن نام آن حضرت به عصر غیبت صغری شده است، به اضافه روایاتی که به روشنی دلالت بر جواز و تصریح بنام آن حضرت دارند- که در قسم چهارم از روایات، آنها را شناختی که از نظر عدد زیادت و از نظر دلالت قوی تر از روایات دیگر بودند-.

نتیجه بحثها:

کوتاه سخن آنکه: ممنوعیت و حرمت نام بردن حضرت مهدی -عج- بستگی به خوف و ترس رسیدن ضرر به خود آن حضرت یا طبق میزانهای معتبری که در تقیه گفته شده دارد و در غیر مورد تقیه جایز است به چند دلیل:

۱۱- این مطلب -حرمت در موارد تقیه، جواز در غیر آن موارد- یگانه راه جمع بین روایات و حمل کردن روایات مطلق آن بر روایات مقید می باشد -به عبارت روشنتر- روایات مطلق -بدون قید- یعنی همان قسم اول از روایات و قسم دوم نیز که خاطر نشان شد^{۸۰-} بوسیله قسم سوم که دلالت داشتند بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی -عج- بستگی به موارد تقیه دارد، مقید می گردد نتیجه اینکه منظور از عدم جواز نام بردن، در قسم اول و دوم از روایات در مورد تقیه است.

و اگر این راه را نپذیریم -طبق دستور تعارض روایات- وقتی که قسم اول و دوم از روایات با قسم سوم تعارض کردند از اعتبار ساقط می شوند اگر گفتیم که هر یک از این اقسام به حساب زیاد بودن آنها قطعی یا همانند قطعی هستند.^{۸۱-}

بنابراین که اسناد این روایات ظنی است -نه قطعی- قائل به تخییر -و انتخاب هر کدام از روایات- می شویم و در این صورت نیز حکم، به جواز تصریح به نام حضرت مهدی -عج- خواهد بود. قوی ترین قرائن و علائم بر صحت راه جمعی که خاطر نشان ساختیم قسم چهارم از روایات است که دلالت صریح و روشن بر جواز اجمالی نام بردن حضرت را داشتند.

کاش می دانستم که قائل به حرمت نام حضرت قائم -عج- بطور مطلق در همه شرایط و زمانها درباره این روایات قسم چهارم که جدا بسیار هستند چه می گوید؟ آیا طرد و نادیده گرفتن همه آنها با اکثریتی که دارند ممکن است؟ به علاوه فتوای بسیار از اصحاب ما بر طبق آن روایات است، آیا ممکن است که در مقام تعارض غیر قسم چهارم از روایات را بر قسم چهارم ترجیح دهیم؟ چنین نیست، بلکه هیچ راه حلی جز همان راه جمعی که ذکر کردیم نیست.

۱۲- احادیث بسیاری از طرق اهل بیت علیهم السلام و اهل تسنن وارد شده که در آنها تصریح گشته است که اسم مهدی -عج- همان اسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کنیه حضرت مهدی -عج- نیز همان کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

و روشن است که این مطلب در قوه و ردیف نام بردن حضرت مهدی -عج- است، زیرا ظاهر بعضی از روایاتی که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آن حضرت را دارند آن است که این ممنوعیت باید طوری باشد که انسانهای مورد خطاب ندانند که اسم شریف آن حضرت چیست، نه اینکه محض تلفظ بنام آن حضرت ممنوع باشد.

مگر این که گفته شود: گر چه مفاد بعضی از اخبار دلالت بر ممنوعیتی دارد که ندانند نام حضرت مهدی -عج- چیست؟ ولی این روایات با بعضی دیگر از روایاتی که تنها تلفظ بنام امام علیه السلام را حرام می دانند نه دلالت بر آن را اگر چه به قسمی از اقسام کنایه باشد، منافات دارد -دقت کنید-.

۳- قول به حرمت تلفظ بنام شریف آن حضرت بی آنکه موارد تقیه یا محذور دیگری باشد با قول به جواز تلفظ به لفظ کنایی که دلالت بر اسم می کند و یا مثل: -م ح م د- احتیاج به تعبد به اسم کنایه مانند کدورتی در تلفظ اسم آن حضرت است با اینکه تلفظ به اسم او به کنایه مانند این که بگوئیم او همان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است یا با حرفی از هم جدا -م ح م د- جایز است، با فرض این که در ظاهر حتما هیچگونه محذوری در کار نیست، آیا این حکم در احکام شرعی شبیهی دارد؟

مثل این نوع استبعاد و بعید دانستن حرمت تلفظ به اسم در همه جا یا جواز تلفظ با آن با کنایه گر چه به تنهایی در احکام فقهی دلیل نخواهد بود، ولی ممکن است آن را تائید گفتار خود قرار دهیم.

نیز این مطلب را تایید می کند بعضی از روایاتی که در مورد عدم جواز تصریح به نام ائمه علیه السلام دیگر غیر از امام قائم -عج- در مورد تقیه وارد شده اند، بنابراین حکم عدم جواز، اختصاص به اسم شریف آن حضرت ندارد.

مانند روایت که مرحوم کلینی رحمه الله با اسناد زیاد از عنبسه نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

- ایاکم و ذکر علی و فاطمه فان الناس لیس شیئی ابغض الیهم من ذکر علی و فاطمه؛ -

پرهیز کنید از بردن نام امام علي عليه السلام و فاطمه عليه السلام چه آنکه چیزی برای مردم مانند ذکر نام علي عليه السلام و فاطمه عليها السلام مبعوضتر نیست -^{۸۲-}

عجیب این که مطابق با آنچه از مرحوم صدوق رحمه الله حکایت شده ، ایشان بعد از اقرار به این که در روایت لوح^{۸۳-} تصریح بنام مهدي -عج - شده است گوید:

-ولي حديث با تصریح بنام آن حضرت وارد شده ولي نظر من آن است که از نام بردن او نهی شده است . -

قبلاً دانستی که تصریح به نام شریف آن حضرت منحصر به روایت لوح بلکه منحصر به روایات قسم چهارم که ذکر شدند و در آنها تصریح به اسم شده بود نیست ، با این حال معلوم نیست که چرا مرحوم صدوق رحمه الله قول به جواز را در غیر موارد تقیه اختیار نکرده ، همان گونه که صاحب وسائل اختیار کرده است و این قول به جواز از بیان بسیاری از اصحاب ظاهر می شود .
شاید مرحوم صدوق عدم جواز را موافق با احتیاط دیده است گر چه قول به عدم جواز احتیاط در عمل با احتیاط در فتوا دو چیزند .

خلاصه اینکه : جدا این احتیاط ضعیف است و رعایت آن واجب نیست .

کوتاه سخن اینکه : از همه مطالبی که خاطر نشان گردید ، استفاده می شود که بردن نام شریف حضرت مهدي -عج - که عبارت از محمد -عج - فرزند امام حسن عسکری عليه السلام می باشد در امثال زمان ما که از این جهات مورد تقیه نیست جایز است .^{۸۴-}

نگارنده گوید: نظر صاحب کشف الغمه عالم بزرگ تشیع -علي بن عیسی اربلی - نیز همین است چنانکه در کشف الغمه ، جلد ۳ ، صفحه ۴۳۸ ، گوید : -فتوای من این است که منع تلفظ بنام مهدي -عج - محمد - از روی تقیه بوده است ولي اکنون اشکال ندارد . -والله اعلم . -
غیبت صغری و غیبت کبری

سه دوره

دوران زندگی امام زمان عليه السلام را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

-۱ دوره کودکی -از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰- .

-۲ دوره غیبت صغری -از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹- .

-۳ دوره غیبت کبری -از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع می شود تا وقتی که فرمان و نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد- .

اخبار و روایات در این مورد بسیار است که برای آن حضرت دو غیبت خواهد بود ، یکی کوتاه ، دومی طولانی ، در غیبت طولانی در غیبت صغری -کوتاه - خواص شیعه و نواب خاص آن حضرت با او تماس داشته اند ، ولي در غیبت طولانی او ، توده مردم از اقامتگاه او بی خبرند جز دوستان مورد اعتماد

که متصدی خدمتگذاری از اقامتگاه او می باشند، و طبق روایتی همواره سی تن از شیعیان و نزدیکان در حضور آن حضرت هستند که هر گاه عمر یکی از آنان بسر آمد یکی دیگر بجای او تعیین می شود .
-۸۵-

و به گفته صاحب مستدرک ، مرحوم نوری رحمه الله اگر تقدیر نباشد که این سی نفر مانند خود امام زمان علیه السلام عمر طولانی داشته باشند در هر قرنی ۳۰ نفر از مؤمنین پرهیزکار و بسیار سعادتمند، به سعادت خدمتگذاری و مصاحبت آن حضرت نائل می شوند .^{-۸۶-}
به هر حال این افراد همان او تادند که در محضر آن حضرت به سر می برند، اکنون درباره غیبت صغری و کبری به شرح کوتاهی می پردازیم .

چگونگی غیبت صغری و نواب چهارگانه
وضع زمان و عدم پذیرش مردم باعث شد که امام زمان علیه السلام از نظرها پنهان گردد، این پنهانی که از آن به عنوان غیبت ، یاد می شود تا وقتی که مردم آماده شدند و شرایط ظهور مهیا گردید ادامه دارد . ولی طبیعی است که وقتی امام مردم غایب شد، مردم را به حال خود نمی گذارد، بلکه افرادی مخصوص را بین خود و مردم واسطه قرار می دهد، وظیفه مردم هم این است که با کنجکاو و دقیق این افراد را بشناسند و تکلیف خود را از آنها بگیرند .

بر همین اساس پس از آنکه امام زمان علیه السلام در سال ۲۶۰ هنگام رحلت پدر بزرگوارشان ، از نظرها پنهان شدند -و غیبت صغری به وجود آمد- تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ چهار نفر از علماء و فقهاء ربانی به ترتیب زیر از جانب آن حضرت تعیین شده و واسطه بین آن حضرت و مردم شدند :

۲- محمد بن عثمان رحمه الله که ۵ سال عهده دار نیابت خاص بود و در سال ۳۰۵ درگذشت .

۳- حسین بن روح رحمه الله که در شعبان سال ۳۲۶ وفات کرد .

۴- علی بن محمد سمیری رحمه الله که در نیمه شعبان سال ۳۲۹ از دنیا رفت ، و امام به او دستور داد که دیگر کسی از جانشین خود نکند .

از این وقت به بعد دوران غیبت کبری -طولانی - آغاز شد -دستور و توقیع امام -عج - به چهارمین نایب در کتاب اعلام الوری صفحه ۴۱۷ و... آمده است .-

غیبت کبری که از نیمه شعبان سال ۳۲۹ شروع شد تا هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه دارد .^{-۸۷-} اینک پرسید که شیعیان در این زمان به چه کسی مراجعه کنند و وظائف دینی خود را از چه کسی بپرسند و به آن عمل کنند؟ پاسخ آنکه : خوشبختانه امام قائم -عج - در این مورد مردم را به اطاعت از ولی فقیه فرا خوانده است اینجا است که مسئله معروف -ولایت فقیه - پیش می آید و درباره آن اکنون اندکی توضیح می دهیم .

شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه

ولایت یعنی رهبری و حکومت، فقیه یعنی کسی که دارای شرایط استنباط احکام از ادله اسلامی باشد، به علاوه عادل و پرهیزکار نیز باشد.

بنابراین ولی فقیه یعنی مرجع تقلیدی که شایستگی نیابت عام امام زمان علیه السلام را دارد، چنین فردی می تواند به جانشینی از امام زمان علیه السلام زمام امور مردم را بدست گیرد، البته عقل و حتی آیات و روایات هم بیانگر این است که در میان افراد، اعلم موجودین تقدم دارند. درباره اصل ولایت فقیه دلائل فراوان داریم از جمله در روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سه بار فرمود:

—خدایا جانشینان مرا مورد رحمت قرار ده، شخصی پرسید جانشینان شما کیانند؟ فرمود: آنانکه پس از من می آیند، گفتار و سنت -روش و سیره - مرا نقل می کنند و پس از من آن را به مردم می آموزند.

اسحاق بن یعقوب رحمه الله گوید از عثمان بن سعد رحمه الله اولین نائب خاص امام زمان علیه السلام خواستم نامه ای به امام عصر -عج - برساند.

و در ضمن نامه پرسیدم در زمان غیبت به چه کسی مراجعه کنیم؟ امام -عج - با خط خودشان در پاسخ چنین مرقوم فرمود:

—... و امام الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا، فانهم حجتي علیکم و انا حجة الله؛ -... در حوادث به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم بر شما -^{۸۸-}

البته دلائل ولایت فقیه بسیار زیاد است در این باره به کتاب شریف ولایت فقیه امام خمینی رحمه الله مراجعه کنید.

در احتجاج طبرسی آمده: امام عسکری علیه السلام در ضمن حدیث ولانی فرمود:

— فاما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه، حافظا لدينه مخالفا لهواه، مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه، و ذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم؛ -

—هر کدام از فقهاء که نگهدارنده نفس خود از انحرافات و صبر انقلابی دارند و حافظ دین خود و مخالف هوی و هوس خود و مطیع فرمان خدایش باشد، بر عوام است که از وی تقلید کنند و چنین صفاتی را بعضی از فقهای شیعه دارند، نه همه آنها -^{۸۹-}

با توجه به واژه -تقلید- که به معنی پیروی است، می فهمیم که امور مردم در زمان غیبت به فقهاء ربانی سپرده شده و آنها ولایت بر مردم دارند.

این حدیث، شرایط یک فقیه را که می تواند جانشین امام زمان علیه السلام باشد بیان می کند. از آنجا که توضیح این روایت خود کتاب مفصلی می خواهد بطور خلاصه باید حکومتش بر مردم

همانند حکومت امام علي عليه السلام باشد، آنجا که برادرش عقيل ، که از گرسنگي رنگ بچه هاي او پريده شده و مطالبه کمک اضافي از بيت المال مي کند، آهن سرخ گداخته در دستش مي گذارد .^{۹۰-} و آنجا که با خبر مي شود خلخال يک زن يهودي به دست دشمن از پايش در آمده سخت عصباني مي شود .^{۹۱-}

و آنجا که مي بيند کارگزارانش به بيت المال تجاوز کرده اند و بفتح خویشاوندان برداشت کرده اند هر چند پسر عموي آن حضرت باشد نامه اي آتشين مي نويسد و به او اعتراض مي کند و از کار برکنارش مي سازد و مي نويسد :- اين تبعيض را از دو فرزندم حسن و حسين عليهمالسلام هم نمي پذيرم .^{۹۲-} و آنجا که مي بيند فرماندارش به ميهماني پولداري رفته فريادش به اعتراض بلند مي گردد .^{۹۳-} نامه هاي آن حضرت ، - که در نهج البلاغه آمده - به استانداران و بخشداران و فرماندارانش گوياي اين گونه حقايق است که نایب بر حق امام زمان عليه السلام رعايت مي کند .
بنابراين ولايت فقيه همان دنباله امامت است . يعني مجتهد اعلم به نيابت عام از امام زمان عليه السلام امور رهبري امت را بدست مي گيرد .

توضیح چند اشکال

آنانکه از اسلام دل خوشي نداشتند و ندارند، و آنها که حسن نيت دارند ولي شناخت ندارند، شروع به ايراد تراشي به اين مسئله که دنباله مسأله امامت است کرده اند. بيشتر اين ايرادات بي اساس ، از آنان است که از اسلام مي ترسند، يعني با تشکيل حکومت اسلامي منافع خود را در خطر مي بينند .
وقتي که اين ايرادات را بررسي مي کنيم برگشت همه آنها به اين چهار ايراد است :

- ۱- ولايت فقيه يک نوع حکومت روحانيت و انحصارطلبي است .
- ۲- ولايت فقيه موجب استبداد و ديکتاتوري است .
- ۳- ولايت فقيه با حاکميت ملي سازگار نيست .
- ۴- ولايت فقيه موجب تعدد مراکز قدرت و تصميم گيري مي شود .

پاسخ اين ايراد بطور فشرده

در مورد اشکال اول :

اولا ما مدعي نيستيم که -ولي فقيه - کليه امور را بايد در دست داشته باشد و لذا در قانون اساسي مصوب امام و امت بخصوص در اصل ۱۱۰ اختيارات ولي فقيه را بطور فشرده بيان داشته است .
ما نمي گوئيم ولي فقيه کليه زمام امور قانون گذاري و قدرت اجرائي را بدست مي گيرد، تا گفته شود اين يک نوع حکومت روحانيت و انحصارطلبي است بلکه ضمن آنکه مي بايست کليه مناصب براي مشروع بودنش با اجازه يک حاکم شرع مطلق باشد، ولايت فقيه از هر گونه انحراف فکري و مکتبي و انحراف در مسير اجراء و پياده نموده احکام جلوگيري مي نمايد .

با توجه به اینکه در هر کاری باید به متخصص مراجعه کرد و با توجه به اینکه لباس و روحانی بودن دلیل آن نمی شود که در موارد حق از او پیروی نکنیم ، ما باید پیرو حق باشیم هر چند این حق از جانب روحانیت باشد. به اضافه اینکه باید به شرایط ولایت فقیه که در چه کسی هست توجه کرد نه به لباس او .

در مورد اشکال دوم :

-ولی فقیه - خودش غیر از اسلام ، نظری ندارد، تا او را به استبداد رایی متهم کنیم ، صفت آگاه - تخصص - و عادل -درستکار- حاکی است که او در حفظ اسلام قدم برمی دارد، بنابراین اگر از این خط منحرف شد، خودبخود از این مقام برکنار خواهد شد -با توجه به اینکه ملت مسلمان خواهان اجرای اسلام هستند نه غیر اسلام-.

در مورد اشکال سوم :

وقتی ملت ، مسلمان بودند، و در نهاد انقلابشان تشکیل حکومت اسلامی می جوشید، و به عبارت دیگر انقلابشان ، انقلاب نان و آب و مسکن نبود بلکه انقلاب مکتبی بود -که البته در پرتو این مکتب نان و آب و مسکن نیز هست - معنای آن این است که ملت ، حکومت اسلامی را با آنچه که در آن است می خواهند، و روشن است که از مهمترین مقررات اسلام ، مسئله امامت و ولایت فقیه است ، پس به اراده ملت کاملاً توجه شده است ، وانگهی وقتی که اکثریت ملت قانون اساسی را که در آن اصل ولایت فقیه آمده تصویب کردند، آیا معنای این مطلب این نیست که به آراء ملت احترام شده است ؟ با توجه به اینکه در مورد قانون اساسی کاملاً به آراء ملت احترام و تکیه شده است و تشکیل مجلس شورای اسلامی نیز مؤید این مطلب است.

از طرفی اکثریت عملاً به دنبال -ولایت فقیه - هستند، بنابراین در کجای ولایت فقیه ضدیتی با حاکمیت ملت دیده می شود؟!

در مورد اشکال چهارم :

وقتی که حکومت اسلامی و اعضای حکومت اسلامی براساس یک قانون اساسی ، زیر نظر یک رهبر -که ولی فقیه است - باشد همه ارگانها در یک مسیر گام برمی دارند، دیگر تعدد مراکز قدرت لازم نمی آید.

ما اقرار می کنیم که در آغاز پیروزی انقلاب در بعضی از موارد بر اثر عواملی این اشکال وجود داشت ، علت این بود که هنوز آن هماهنگی اسلامی و هدف از حکومت اسلامی در میان نبود. ولی پس از تحقق حکومت تحت نظارت و رهبری و ولایت فقیه ، حتماً قدرتها و تصمیمها به یک مرکز برگشته و این اشکال برطرف خواهد شد.

در اینجا اضافه می کنم : چنین نیست که عده مخصوصی حکومت را بدست گرفته باشند بلکه همه

مردم مسلمان حکومت را بدست گرفته اند، نهایت اینکه نماینده های آنها یعنی افراد مورد قبول اکثریت با همکاری ملت دست اندر کار شده اند، اگر یک اتومبیل را در نظر بگیریم، این اتومبیل دارای دهها و صدها اعضا است که هر کدام در ساختمان و حرکت آن نقشی دارند، ولایت فقیه، هم نقش دنده عوض کردن و هم نقش ترمز را دارد، تا هم آن را به حرکت در آورد و به مقصد برساند و هم هنگام خطر با نگهداری آن، خطرات را دفع و رفع نماید - البته از ذکر این مثال پوزش می طلبم - لازم به تذکر است که مسأله امامت و دنبال آن ولایت فقیه در بینش تشیع از اصول و ارکان دین است، و در اصول دین هر کس خودش باید دلیل و شناخت داشته باشد و تقلید روا نیست.

در اینجا این سخن را نیز اضافه می کنیم که به حکم آیات و روایات از جمله:

- یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی؛-

- ای داود ما تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم، بنابراین بین مردم به حق حکومت و قضاوت کن و از هوی و هوس پیروی مکن - ۹۴-

ولایت فقیه که دنباله روی از پیامبران و امامان - سلام الله علیهم اجمعین - است، مبانی آن براساس اصالت جامعه یا اصالت فرد و یا اصالت انسان نیست، بلکه مبانی آن براساس اصالت - الله - است که امروز به صورت اسلام و قوانین اسلام متبلور شده است، با توجه به اینکه با اجرای اسلام نیازهای فردی و جامعه و انسانها تاءمین شده و همه را به سوی کمال و سعادت همه جانبه رهنمون می سازد.

سؤال :

در ضمن بررسی روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام آمده که امام صادق علیه السلام به مفضل رحمه الله فرمود:

- هر بیعت، قبل از ظهور مهدی علیه السلام، کفر، نفاق و تزویر است و لعنت بر بیعت شونده و بیعت کننده - ۹۵-

و از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود:

- هر پرچم - برافراشته از رهبری - قبل از قیام مهدی علیه السلام طاغوت است. -
و بفرموده امام باقر علیه السلام:

- صاحب آن پرچم طاغوت است - ۹۶-

آیا اگر - ولی فقیه - در زمان غیبت، زمام رهبری را بدست گیرد مشمول این گونه روایات نیست؟! پاسخ :

این روایات مربوط به آن رهبرانی است که مستقلاً رهبری امور را بدست می گیرند، ولی در ولایت فقیه، استقلال نیست، بلکه نیابت به اذن عام حضرت مهدی - عجل - است، چنانکه خود دلائل ولایت فقیه این مطلب را ثابت می کند، و در حقیقت این پرچم و بیعت، به عنوان نیابت و زمینه سازی برای

ظهور آن حضرت می باشد، و آن حضرت و امامان علیهم السلام دیگر هم چنین اجازه بلکه چنین تکلیف را به مردان فقیه شایسته داده اند.

فائده غیبت طولانی چیست؟^{۹۷-}

می پرسند :

غیبت طولانی امام مهدی -عج- و عدم دسترسی ما به او، چه سودی دارد؟

پاسخ :

امام قائم -عج- بخاطر عدم پذیرش جامعه، از نظرها پنهان است، او همچون امامان معصوم علیه السلام دیگر اگر آشکار بود، مردم همان که با آن امامان کردند با او می کردند، اما او غائب است تا مردم آمادگی پذیرش او را در طول زمان و با برنامه ریزیهای دراز مدت و تکامل معنوی و مادی پیدا کنند.

غیبت او چنانکه در روایات آمده همچون پنهان شدن خورشید پشت ابرها است، گر چه ابرها از تابش مستقیم خورشید ممانعت می کنند، ولی هرگز نمی توانند تابش خورشید را بطور کلی محو سازند. غیبت امام قائم -عج- دهها فایده دارد که در اینجا به طور اختصار به چند فایده آن اشاره می کنیم. ۱- غیبت او به پیروانش امید می بخشد و آنها را دلگرم می کند که دارای چنین رهبری هستند، با توجه به اینکه امید، آن هم امیدی این چنین، سازنده است.

۲- غیبت آن حضرت پیروانش را قدم به قدم آماده می سازد تا آن حضرت را از عزلت بیرون آورند. ۳- آن حضرت در عین اینکه غائب است گاه در مسائل مهم با فقهاء و بزرگان اسلام تماس می گیرد و آنها را راهنمایی می کند -چنانکه شواهد آن بسیار است و بعضی از آنها در این کتاب آمده است. - ۴- گفتگو درباره قیام مهدی -عج- و تشکیل کنگره ها و کنفرانسها و تنظیم نوشته ها و مقالات در طول زمان با فرصت کافی موجب پرورش نفوس و آمادگی، در اندیشه انقلاب جهانی بودن و هدف داری و... می شود، در نتیجه آمادگیهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، صنعتی، اقتصادی و بالاخره نظامی در همه جا پیدا می شود و به این ترتیب زمینه سازی ظهور آن حضرت مهیا می گردد. ۵- شناخت موانع یک انقلاب جهانی در تمام ابعاد و براندازی آن موانع نیاز به طول زمان و کمک فکری بسیار در سطح جهان دارد، این نیز یکی از فوائد غیبت امام قائم -عج- می باشد.

۶- از طرفی طول غیبت و دوری مردم از رهبر مصلح و عادل موجب فساد در تمام زمینه ها شده، و همین فساد موجب خستگی و ناراحتی و نارضایتی مردم می شود و در دل این فساد، جرقه های انقلاب بروز می کند و مردم، تشنه مصلح واقعی و عدالت می شوند، چرا که تا همه، رنج ظلم و فساد را نبرند آماده درک لذت عدالت و اصلاح نخواهند شد، چنانکه در روایات مربوط به حضرت مهدی -عج- بسیار آمده که:

- یملاء الارض عدلا و قسطا و نورا کما ملئت ظلما و جورا و شرا؛-
آن حضرت زمین را پر از قسط و عدل و نور خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم و جور و بدی شده باشد؟-^{۹۸-}

و انقلاب واقعی، انقلابی است که طبیعی و خودجوش و از متن توده ها برخیزد، و همگان به خوبی آن را درک کنند.

البته این سخن به این معنی نیست که ما تن به ظلم و فساد دهیم، و مبارزه با ظلم و فساد نکنیم که شرع و عقل چنین اجازه ای به ما داده، بلکه این سخن خبر از آینده می دهد، و حاکی است که مردم بر اثر دوری از یک مصلح عادل و آگاه چگونه در لجن فساد فرو می روند، در این صورت باید برای یافتن آن مصلح به پاخواست و خود گرفتاری مردم، آنها را برای یافتن راه حل برمی انگیزاند.
آری باید مدتها بگذرد، تا مردم تکامل یابند و حقائق برایشان کشف گردد، و با تجربیات تلخ خود روی حکومت‌های باطل از آنها روگردان گردند و تشنه وجود امام قائم -عج- شوند.
در قرآن کریم می خوانیم:

- سنرهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق؛-
بزودی آیات خود را از هر سوی جهان و در وجود خود مردم نشان می دهیم تا برای آنها آشکار گردد که او حق است -.^{۹۹-}

در مورد اینکه منظور از ضمیر -او- به کجا بازگشت می کند امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

-منظور خروج -عج- است که او حق است -و حقانیتش آشکار می گردد- -.^{۱۰۰-}
خودسازی در عصر غیبت حضرت مهدی

مقدمه

باید مسلمانان، هشیار و بیدار باشند و فراموش نکنند و بدانند که انگیزه غیبت آن حضرت چه بوده و فواید آن چیست؟

انتظار یعنی چه؟

یاران خاص مهدی -عج- باید دارای چه ویژگی‌هایی و شرایطی باشند؟
امکانات دنیای اسلام بسیار وسیع است و با به کارگیری صحیح آن می توان به حکومت جهانی رسید. برای تحقق چنین طرحی نیاز به برنامه ریزی جامع و جهاد و مبارزه خستگی ناپذیر و پی گیر و هشیاری است.

هدف، مشخص است نه کور، بنابراین، این گامها به سوی روشنایی برداشته می شود.
توجه به اماکن مقدسه و شهرهای با اهمیت و صدور انقلاب به این سرزمینها و بالاخره آمادگی فرهنگی

و اقتصادی و رزمی و تشکیل ارتشهای میلیونی و راه اندازی نهضت‌های جهانی در همه سرزمینها همچون صدر اسلام، که هر فرد مسلمان یک سرباز جانباز حکومت اسلامی باشد.

اتحاد و برادری و رعایت حقوق همدیگر مسلمانان در تمام زمینه‌ها، با توجه به اینکه توحید و نفی شرک مطلق و همچنین تقوی و پاکی و خلوص در این امور که سنگ اول این ساختمان عظیم را تشکیل می‌دهد باید از مهمترین برنامه‌ها باشد.

علمای اخلاق می‌گویند:

مراحل تکامل، چهار پایه دارد: ۱- کشف و شناخت ۲- استخراج و عمل ۳- فردسازی ۴- جامعه‌سازی.

به راستی که درست گفته‌اند، اگر این مراحل به طور صحیح طی شود، آن وقت است که ما در مسیر انتظار هستیم.

خلاصه و جمع بندی کتاب در یک کلمه، آمادگی و تلاش پی‌گیر در تمام ابعاد اسلامی است، توجه به تاریخ اسلام و معانی آیات قرآن و روایات معصومین علیه السلام ما را در این جهت کمک بسزایی می‌کند، چنانکه گفتیم: مهمترین هدف امام قائم -عج- پس از ظهور، تهذیب و تکمیل نفوس است که در پرتو آن سایر امتیازات نیز به دست خواهد آمد.

خودسازی و پاکسازی

امام صادق علیه السلام فرمود:

- من سر ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر فجوا و انتظروا هنیئا لکم ایته العصابه المرحومه؛-

کسی که دوست دارد تا از یاران قائم -عج- باشد، باید در انتظار ظهور باشد، و حتما باید کارهایش براساس تقوی و پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین کسی منتظر امام -عج- است، و در این راه بکوشید و آماده باشید، گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شما است -۱۰۱-.

علمای اخلاق می‌گویند: انسان وقتی که صبح از خواب برمی‌خیزد تا شب که می‌خوابد باید چهار چیز را حفظ کند: ۱- مشارطه ۲- مراقبه ۳- محاسبه ۴- محاکمه

یعنی نخست متعهد باشد که در کارهایش گناه وارد نشود، دوم مواظب باشد که این حالت ادامه یابد، سوم در آخر، کار خود را به حساب بکشد که مبادا در حسابش بدهکار خدا باشد، چهارم در صورت بدهکاری، نفس خود را به محاکمه بکشد و بازخواست نماید و به جبران بدهکاری بپردازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

- آیا می‌خواهید شما را به زرنگ‌ترین و احمق‌ترین احمق‌ها خیر دهم؟

یاران عرض کردند: آری.

فرمود: زیرکترین زیرکها کسی است که خود را برای بعد از مرگ به حساب بکشد، و احمقترین احمقها کسی است که از هوای نفس پیروی کند امان و رحمت الهی را داشته باشد. -۱۰۲-

امام علی علیه السلام در ضمن خطبه ای فرمود:

- آیا در قیامت نفوس انسانها حتی به مقدار خردل - ذره - مورد بازخواست نیست؟ -۱۰۳-

قرآن در سوره نساء آیه ۱ می فرماید:

- ان الله کان علیکم رقیباً؛ -

خداوند حتما مراقب کارهای شما است. -

و در روایات آمده:

- انه ینشر للعبد فی کل حرکة من حرکاته و ان صغرت ثلاثهواوین ، الاول - لم - الثاني - کیف - الثالث - لمن -؛ -

هنگام انجام عمل هر قدر هم کوچک باشد سه دفتر برای ثبت خصوصیات آن گشوده می شود: اول - چرا - دوم - چگونه - سوم - برای چه کس - . یعنی انگیزه عمل و چگونگی و کیفیت آن و هدف نهایی آن چیست؟

-۱۰۴-

بنابراین باید منتظران حضرت مهدی - عج - و زمینه سازان انقلاب جهانی به رهبری آن حضرت این امور را رعایت کنند، که پایه و سنگ اول است.

باید توجه داشت که مبدا ما مورد نفرین امام - عج - گردیم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

- من مات و هو عارف لامامته لم یضره تقدم هذا الامر او تاءخره و من مات عارفا بامامته کان کمن کان مع القائم فی فسطاطه؛ -

کسی که بمیرد ولی شناخت به امامت - حضرت قائم - عج - داشته باشد، دیر و یا زود شدن ظهورش، به او ضرر نمی رساند، و کسی که شناخت به امامت او نداشته باشد و بمیرد، مانند کسی است که همراه قائم - عج - در میان خیمه او است. -۱۰۵-

بنابراین ما هم اکنون می توانیم با خودسازی، از یاران نزدیک امام قائم - عج - باشیم.

ویژگیهای یاران آن حضرت در قرآن

در قرآن این کتاب انسان ساز و حرکت آفرین در رابطه با یاران نمونه حضرت مهدی - عج - یک آیه است که بسیار امید بخش و سازنده است، این آیه در حقیقت بیانگر حقائق و واقعتهایی است که اگر به طور جدی و همه جانبه تعقیب گردد، موانع سر راه را برمی دارد و جهان را به استقبال مصلح جهانی حرکت می دهد.

در سوره مائده آیه ۵۹ خداوند به طور مستقیم ، مؤ منان را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:
-ای مؤ منان هر کس از شما مرتد شد و از اسلام بیرون رفت ، خداوند در آینده جمعیتی را می آورد
که دارای این پنج امتیاز هستند:

۱- خداوند آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند.

۲- در برابر مؤ منان خاضع و مهربانند.

۳- در برابر مشرکان و دشمنان ، سرسخت و نیرومندند.

۴- به طور پی گیری در راه خدا جهاد و تلاش می کنند.

۵- در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند.

این فضل خدا است که به هر کس بخواهد -و شایسته ببیند- می دهد، فضل و رحمت خدا وسیع است
و او بر همه چیز آگاه است - .^{۱۳۷-}

در روایات برای این آیه مصادیق مختلفی بیان شده از جمله اینکه : این آیه در مورد یاران حضرت
مهدی -عج- است که با این ویژگیها با تمام قدرت ، در مقابل مرتدین و کارشکنان می ایستند، و
برای برقراری حکومت عدل امام قائم -عج- و برقراری عدالت در کل جهان تلاش می کنند .^{۱۳۸-}
و در عبارتی امام صادق علیه السلام فرمود:

-صاحب این امر -حضرت مهدی -عج- در پرتو این آیه -در حمایت چنین یاران آگاه و دلاور-
محفوظ است - .^{۱۳۹-}

ویژگی اول :

به عشق آن یاران به خدا اشاره می کند، آنها که جز به خدا نمی اندیشند، در حدی که خداوند نیز آنها
را دوست دارد. روشن است که چنین روحیه ای که در پرتو ایمان و توکل بدست می آید، بزرگترین
عامل خیزش و پرواز و اراده و تقوی است که نقش آن در حماسه آفرینی اعجاز آمیز و شگفت انگیز
می باشد.

ویژگی دوم :

به پیوند اخلاقی و وحدیت و یکپارچگی با مؤ منان اشاره می کند که نقش آن در پیشبرد کار بسیار
مهم و چشمگیر است.

ویژگی سوم :

حاکمی از سازش ناپذیری مؤ منان در برابر کافران ، و نه شرقی بودن و نه غربی بودن آنها است ، که در
پرتو آن هر گونه تلاش و شگرد دشمن خنثی می گردد....

ویژگی چهارم :

جهاد و مبارزه پی گیر با کفار و دشمنان اسلام است.

بالاخره ویژگی پنجم :

که بسیار مهم است ، قاطعیت و پایمردی مؤمنان را بیان می کند که روح محافظه کاری و مجامله در آنها نیست ، از عوامزدگی و محیطزدگی و غوغای اکثریت منحرف و استهزاء آنها نمی هراسند، و با گامهای استوار در صراط مستقیم حرکت می کنند و یاوه های چپ و راست در حرکت آنها اثر ندارد. و باید به آغاز آیه نیز توجه داشت که ارتداد و بیعت شکنی عده ای وجیه المله ، آنها را سست و نگران نمی کند، آنها شرایط سخت حاضر را معیار قرار نمی دهند امید به آینده دارند، چرا که خود آینده سازند و کمبودها آنها را سست و لرزان نمی کند.

در میان این ویژگیها هر چند همه در جای خود از اهمیت بسیار برخوردارند ولی این ویژگی پنجم از همه مهمتر به نظر می رسد ابوذر غفاری ، آن مرد نستوه و قاطع را در تاریخ با این لقب - : لا یخاف فی الله لومة لائم - می خوانند، و خود می گوید : پیامبر صلی الله علیه و آله به من سفارش کرد که در راه خدا از یاوه سرائی یاوه سرایان و سرزنش کنندگان نهراسم . -۱۴۰-

وقتی که حجر بن عدی آن بزرگمرد خدا با یارانش به فرمان معاویه به شهادت رسیدند، امام حسین علیه السلام بزرگترین چهره انقلابی تاریخ به عنوان اعتراض به معاویه نوشت و در آن نامه بخصوص این ویژگی حجر و یارانش را تذکر داد و نوشت :

- تو کسانی را کشته ای که امر به معروف و نهی از منکر می کردند، گناه را بزرگ می شمردند - و لا یخافون فی الله لومة لائم ؛- و در راه خدا از ملامت ، ملامت کنندگان نمی هراسیدند - -۱۴۱-

بسیاری هستند از یاوه سرائیهای رسانه های همگانی شرق و غرب تحت تأثیر قرار می گیرند و خود را می بازند، ولی اگر دارای این ویژگی بودند، هیچگونه تحت تأثیر قرار نمی گرفتند بلکه بیشتر به راه خود ادامه می دادند.

پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران اسلام در ایران در روایتی می خوانیم وقتی از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آیه مذکور سؤال کردند پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر شانه سلمان رحمه الله نهاد و فرمود :

-منظور از این یاران ، هموطنان این شخص هستند.-

سپس فرمود :

- لو کان الدین معلقا بالثریالتنا و له رجال من ابناء الفارس ؛-

-اگر دین به ستاره ثریا بسته باشد و در آسمانها قرار گیرد، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت .- -۱۴۲-

اگر کوششهای پی گیر و نتیجه بخش ایرانیان را در طول تاریخ اسلام بررسی کنیم ، بخصوص در قرن معاصر، و پیروزی انقلاب اسلامی ، و تشکیل حکومت اسلامی به نیابت از حضرت قائم -عج- به

خوبی به حقانیت این پیشگوئی پی می بریم ، بعلاوه این پیشگوئی اعجاز آمیز الهام بخش آن است که مسلمانان ایران در حرکت دادن مردم جهان به سوی حکومت مهدی -عج - نقش مؤثر و اساسی دارند، و چنانکه از نشانه هایش پیداست ، نسبت به آینده امید بخش است . -۱۴۳-

به هر حال همانگونه که در آخر آیه مذکور می خوانیم باید امید به فضل و لطف خدا داشت ، فضل و رحمت خدا وسیع است ، و حتما شامل افراد شایسته و برازنده خواهد شد .

به این ترتیب نتیجه می گیریم که طرفداران جدی تشکیل حکومت جهانی به رهبری قائم -عج - باید با کسب ویژگیهایی که در تفسیر آیه مذکور بیان شد، در هر جا ستاد مقاومت و تلاش تشکیل دهند و بدانند که حتما با چنین حرکت قرآنی به کعبه مقصود خواهند رسید .

در اینجا از یک شاهد عینی کمک گرفته و بطور ملموس موضوع را ترسیم می کنیم:

از شما می پرسم برآستی اگر مردم همه کشورهای اسلامی با هدف قرارداد اسلام تحت رهنمودهای پیامبر صلی الله علیه و آله و آتش ، تحت نظر مردان صالح و آگاه خود، همچون کشور ایران در وضع فعلی به جنگ با طاغوتیان بروند، و حکومت اسلامی تشکیل دهند و کم کم آنرا توسعه داده و به تهدیب و تکمیل آن پردازند چقدر به حکومت جهانی امام قائم -عج - نزدیک خواهند شد؟

امید آنکه جهان اسلام با تجزیه و تحلیل و دیدن این نشانه های عینی و ملموس ، دنبال کار را بگیرد که مسلما به نتیجه خواهد رسید .

تحلیل سخنی از امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام درباره منتظران و یاران حضرت مهدی -عج - به یکی از دوستانش بنام ابو خالد رحمه الله چنین فرمود:

-مردمی که در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به سر می برند و معتقد به امامت و رهبری آن حضرت بوده و منتظر ظهور و قیامش هستند، از مردم هر زمانی برترند، چرا که خداوند آنها را آنچنان از عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده که غیبت امام زمان علیه السلام برای آنان همچون ظهور آن حضرت است ، خداوند آنها را در این زمان همچون مجاهدانی قرار داده که با شمشیر در پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله با دشمن می جنگیدند، در حقیقت مردان خالص و شیعیان راستین ما چنین افرادی هستند که در آشکار و پنهان به سوی خدا دعوت کنند .- ۱۴۴-

در این روایت مردم منتظر ظهور امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به عنوان -برترین مردم - همه زمانها خوانده شده اند و در پایان به عنوان -انسانهای خالص و شیعیان راستین - لقب گرفته اند به خاطر سه ویژگی:

نخست :

به خاطر آگاهی و شناخت به گونه ای که غیبت امام زمان علیه السلام را همچون حضور او دانسته و

تلاش و فکر و هدفشان بر این اساس است، نه اینکه دست روی دست بگذارند که از ما کاری ساخته نیست به انتظار می‌نشینیم تا امام زمان علیه السلام ظهور کند و خودش کارها را اصلاح نماید.

دوم :

به خاطر اینکه جهاد و تلاش و پیکار با دشمنان دارند، بسان مجاهدان صدر اسلام که در پیشاپیش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با دشمن می‌جنگیدند، بی تفاوت نیستند و تا آخرین حد توان در صحنه نبرد حضور دارند.

سوم :

به خاطر اینکه مردم را در آشکار و پنهان به سوی خدا می‌خوانند:

اولا دعوتشان به سوی خداست نه به سوی شرق و غرب، ثانيا همواره در آشکار و نهان کارشان هدایت و روشنگری است تا مردم را به سوی حق جلب و جذب کنند.

به این ترتیب یاران ویژه و ویژگیهای یاران امام زمان علیه السلام را می‌شناسیم و در یک جمع بندی کوتاه چنین نتیجه می‌گیریم که اگر هواداران امام زمان علیه السلام دارای چنین ویژگیهایی باشند، جهان به سوی حکومت واحد جهانی تحت رهبری حضرت قائم -عج- نزدیک می‌شود و قدمهایی بزرگ و مؤثری برای ظهور آن حضرت برداشته خواهد شد.

حرکت انقلابی نه گام به گام

نکته دیگری که در رابطه با یاران مهدی -عج- باید مورد توجه قرار گیرد این که از روایات مربوط به حضرت مهدی -عج- کاملاً استفاده می‌شود که نهضت و انقلاب آن حضرت به گونه رفورمی و گام به گام نیست، بلکه به طور انقلابی است، و در میان صفات یاران مهدی -عج- پس از ایمان و معرفت، بیشتر از سلحشوری و جهاد و رزمندگی از اراده قوی آنها سخن به میان آمده است، و این حکایت از آن می‌کند که برای برقراری حکومت جهانی امام مهدی -عج- باید جهاد کرد و هرگز از راه سازش با دشمنان اسلام برخوردار ننمود اکنون به چند روایت ذیل در این جهت توجه فرمائید: ۱ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

-مردمی از مشرق زمین بپاخیزند و زمینه ساز حکومت حضرت مهدی -عج- شوند -۱۴۵-

تعبیر -خروج- که در فارسی معادل؛ نهضت و شورش و انقلاب است دلیل بر حرکت انقلابی یاران مهدی -عج- است نه حرکت گام به گام.

ضمناً از این روایت استفاده می‌شود، یاران زمینه ساز برقراری حکومت حضرت مهدی -عج- در مشرق زمین هستند.

-۲- شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید:

-مردم گویند وقتی که حضرت مهدی -عج- قیام کرد کارها به طور طبیعی به پیش می‌رود و به

اندازه شاخ حجامتي خونريزي نمي شود؟

امام در پاسخ فرمود: به خدا سوگند چنين نيست اگر چنين چيزي ممكن بود در مورد پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله صورت مي گرفت ، در صورتي كه دندان آن حضرت در جهاد با دشمن خون افتاد و پيشانيش شكست ، به خدا سوگند نهضت امام قائم -عج - تمام نمي شود مگر اينكه در ميدان جنگ عرق برزيم و خونها ريخته شود، پس دست به پيشاني مبارکش ماليد ۳ - امام باقر عليه السلام در ضمن گفتاري فرمود:

-۱۴۶-

-وقتي قائم ما -عج - قيام كرد و هر يك از شما به اندازه قوت چهل مرد نيرو پيدا مي كند، و دلهاي شما همچون پاره هاي آهن مي شود كه اگر به كوهها بزنند آنها را مي شكافند ...-^{۱۴۷-}

-۴- نيز فرمود:

-قيام حضرت مهدي -عج - از اين جهت شباهت به لشكر حضرت محمد صلي الله عليه و آله دارد كه با شمشير قيام مي كند و دشمنان خدا و رسول خدا صلي الله عليه و آله و گمراه كنندگان را به قتل مي رساند و با شمشير و ترساندن ، پيروز مي گردد، آنچنان پيروزي كه هيچ پرچمي از او شكسته نمي شود.-

روشن است كه كلمه شمشير، كنايه از جنگ با اسلحه است.

-۵- رواياتي كه درباره ويژگيهاي منتظرين حضرت مهدي -عج - آمده نيز مطلب فوق را تاءيد مي كنند كه در بسياري از اين روايات آمده:

-منتظرين همانند كساني هستند كه در ركاب پيامبر خدا صلي الله عليه و آله و سلم بر فرق دشمن ضربه مهلك وارد مي سازند -.^{۱۴۸-}

ضمناً لقب قائم -عج - قيام كننده - براي حضرت مهدي -عج - و اوصافي كه در مورد او آمده مانند اينكه : حضرت رضا عليه السلام فرمود:

-قائم -عج - در سن پيران ولي به صورت جوانان ظاهر مي شود، به قدرتي قوي و نيرومند است كه اگر به بزرگترين درخت روي زمين دست دراز كند آن را از ريشه مي كند و اگر در ميان كوهها فرياد بزند سنگهاي سخت آن متلاشي مي گردند -.^{۱۴۹-}

-۶- در بعضي از تعبيرات ائمه عليهم السلام آمده:

- و لو مروا الجبال من حديد ليقطعوها لا يكفون سيوفهم حتي يرضي الله عزوجل ؛-

-اگر اين ياران به كوههاي از آهن عبور كنند آنها را قطعه قطعه كنند، اسلحه هايشان همواره در كار است تا خداوند راضي شود -.^{۱۵۰-}

اينها همه حاكي است كه قيام حضرت مهدي -عج - يك حركت عميق انقلابي در كل جهان است و

باید برای چنین حرکتی بسیج عمومی و به تعبیر دیگر ارتش عمومی و مجهز از مسلمانان در تمام نقاط دنیا تشکیل شود، ارتشی که کاملاً آمادگی رزمی داشته باشد و با روحیه ای عالی به پیش رود و در جسم و روح بتوان او را به عنوان سرباز امام زمان علیه السلام خواند. برای تکمیل این بحث به روایت معروف ذیل توجه کنید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

-همراه ظهور قائم -عج - بیست و هفت نفر از پشت کوفه -نجف اشرف - ظاهر شده -و به حضرت مهدی -عج - می پیوندند-، پانزده نفر آنها از قوم موسی علیه السلام هستند که به سوی حق هدایت می کنند و حاکم به حق و عدالتند و هفت نفر آنها اصحاب کهف اند و بقیه عبارتند از: یوشع بن نون رحمه الله ، سامان رحمه الله ، ابودجانه انصاری رحمه الله ، مقداد رحمه الله و مالک اشتر رحمه الله اینها در خدمت امام زمان علیه السلام به عنوان یاران و فرماندهان آن حضرت به شمار می آیند .^{۱۵۱-} با توجه به اینکه گروه کوچکی از افراد صالح و طرفدار حضرت موسی علیه السلام که همه جا حامی موسی علیه السلام بودند و تسلیم دعوت سامری نشدند و همواره در این فکر بودند که از خط موسی علیه السلام خارج نشوند، چنانکه در قرآن -آیه ۵۹ سوره اعراف - اشاره ای به این گروه صالح و در خط حق و عدالت شده است ، همان پانزده نفر مذکور در روایت فرق می باشند.

و همچنین با توجه به داستان زندگی آزاد مردان و حق طلبانی همچون اصحاب کهف و مبارزه منفی آنها با طاغوت زمانشان ... و همچنین با توجه به حمایتها و فعالیتهای یوشع بن نون -وصی حضرت موسی علیه السلام - در راه توحید چنانکه در تاریخ آمده و با توجه به زندگی برجسته مردانی همچون ابودجانه انصاری ، سلمان رحمه الله ، مقداد رحمه الله و مالک اشتر رحمه الله در می یابیم که یاران راستین حضرت مهدی -عج - باید چگونه افرادی باشند؟ و در چه خطی باشند و چگونه در راه حق از جان و مال دریغ نوزند؟

تجزیه و تحلیلی درباره ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام

تواتر حدیث ۳۱۳ نفر

برای شناخت این یاران مخصوص به مطالب زیر توجه کنید:

در همه جا معروف است و در کتابهای مربوط به امام زمان علیه السلام نوشته شده که هنگام ظهور آن حضرت ۳۱۳ نفر یاران مخصوصش به او می پیوندند و همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده و همراه امام -عج - هستند، اکنون بجاست که در این کتاب درباره این افراد خاص به بررسی فشرده ای بپردازیم ، برای روشن شدن مطلب نخست صحت اصل حدیث را مورد بررسی قرار داده سپس ویژگیهای این یاران را بیان می کنیم .

به طوری که در کتب مربوطه مانند بحارالانوار، -طبق قدیم ، جلد ۱۳، و نیز چاپ جدید جلد ۵۲-،

اثبأ الهداء، جلد ۷، و منتخب الاثر و... آمده، حدیث ماجرای پیوستن ۳۱۳ نفر از یاران خاص حضرت قائم -عج- به آن حضرت، هنگام ظهور در مکه -متواتر- است، یعنی به اندازه ای نقل شده که انسان با بررسی آنها علم پیدا می کند که این حدیث صحیح است، و از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نقل شده است.

بنابراین نباید شکی در صدور حدیث مذکور از جانب معصومین علیهم السلام نمود. توضیح بیشتر اینکه: این حدیث با تعبیرات گوناگون نقل شده و در مجموع به اصطلاح، تواتر معنوی بر صحت صدور آن از معصومین علیهم السلام داریم.

ویژگیهای این افراد

اکنون با توضیحات کوتاه، ویژگیهای این افراد و یاران مخلص دیگر امام قائم -عج- را در امور ده گانه زیر بررسی می کنیم:

۱- امام در انتظار آنها بسر می برد:

هنگام ظهور امام قائم -عج- آن حضرت قبل از آنکه کنار کعبه برود و تکیه بر کعبه -کانون و مرکز توحید- کند و صدای دل آرای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در مکانی بنام -ذی طوی-^{۱۵۲-} در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصش توقف می کند، تا اینکه آنها می آیند و به آن حضرت می پیوندند...^{۱۵۳-} و از آنجا همراه امام به کنار کعبه می روند...^{۱۵۴-}

۲- آنها از اطراف جهان جمع می شوند:

این ۳۱۳ نفر از اطراف جهان و دورترین نقطه ها جمع شده و به امام قائم -عج- می پیوندند چنانکه در حدیثی از امام باقر علیه السلام بیان شده:

- یجمع الله من اقاصی البلاد علی عدۀ اهل بدر ثلاثاء و ثلاث عشر رجلا؛-

- خداوند برای حضرت قائم از دورترین شهرها، به تعداد جنگاوران جنگ بدر، ۳۱۳ مرد را جمع می کند...^{۱۵۵-}

۳- آنها نخستین بیعت کنندگان با امام قائم -عج- هستند:

هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین علیه السلام با امام قائم -عج- بیعت می کنند، همین ۳۱۳ نفر هستند، چنانکه این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود.^{۱۵۶-} البته باید توجه داشت که در آغاز ظهور، یاران امام زمان علیه السلام ۳۱۳ نفرند، و گرنه به طور سریع بر یاران آن حضرت افزود می شود به طوری که در همان آغاز به ۱۰/۰۰۰ نفر می رسند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

- ما یخرج الای فی اوله قوم و ما یكون اولو القوه اقل من عشرة آلاف؛-

امام زمان علیه السلام خروج و ظهور نمی کند مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از

-۴ آنها جانبازان سلحشورند :

این ۳۱۳ نفر در حدی از ایثار و جانبازی و شجاعت و سلحشوری هستند که دشمنان قائم -عج - جمع می شوند تا آن حضرت را به قتل برسانند، همین ۳۱۳ نفر با دفاع قهرمانانه و جانبازی در راه آن بزرگوار، دشمنان را دفع کرده و آنان را در راه رسیدن به هدف شوم خود، مفتضحانه شکست می دهند، چنانکه این مطلب در ضمن حدیثی از امام سجاد علیه السلام نقل شده است . -۱۵۸-

-۵ آنها پرچمداران و حاکمان روی زمینند :

این افراد، در روایات بسیار، تشبیه به ۳۱۳ نفر مسلمانان شجاع و سلحشوری شده اند که در جنگ بدر، نخستین شکست بزرگ را بر کفار و دشمنان اسلام وارد آوردند، که تا آن وقت دشمنان چنین شکستی از اسلام نخورده بودند، و اصلاً تصور چنین شکستی را نمی کردند.

به علاوه ، این ۳۱۳ نفر پرچمداران روی زمین ، و حاکمان خدا بر مردم در سراسر زمین می باشند، این ویژگیها حکایت از آن می کند که این افراد علاوه بر سلحشوری و شجاعت ، دارای علم و بینش بوده که لیاقت رهبری جامعه ها را دارند و شایستگی آن را دارند که پرچمدار کشورها باشند.

شاید بتوان گفت : هنگام برقراری حکومت جهانی حضرت مهدی -عج - همه جهان به ۳۱۳ ایالت و استان تقسیم گردد، و در هر یک از این ایالتها و استانها این مردان بزرگ رهبر آنجا گردند، اینک به اصل روایت توجه کنید:

- عن الصادق علیه السلام و کاءنی انظر الي القائم -عج - علي منبر الكوفة و حوله اصحابه ثلاثاء و ثلاث عشر رجلا عدة اهل البدر و هم اصحاب الاءلویة و هم حکام اللّٰه في ارضه علي خلقه ...-؛
امام صادق علیه السلام فرمود: گویا امام قائم -عج - را بر بالای منبر کوفه می نگرم که یارانش ۳۱۳ نفر مرد به تعداد جنگاوران مسلمان جنگ بدر، اطرافش را گرفته اند، این یاران پرچمداران و حاکمان بر مردم در زمین از جانب خدا هستند . -۱۵۹-

-۶ آنها امت معدود و همچون پاره های ابرهای متراکم هستند :

در قرآن می خوانیم:

- هر جا که باشید خداوند همه شما را حاضر می کند . -۱۶۰-

در تفسیر این آیه ، امام باقر علیه السلام فرمود:

- یعنی اصاب القائم -عج - الثلاثاء و البضعه عشر رجلا و اللّٰه هم الامه المعدوده قال یجتمعون و اللّٰه في ساعه واحده قرع کقرع الخریف ؛-

-منظور یاران قائم -عج - اند که ۳۱۳ نفرند، به خدا سوگند منظور از امت معدوده - که در آیه ۸، سوره هود آمده - آنها هستند، به خدا سوگند در یک ساعت همگی جمع می شوند همچون پاره های ابر

پائیزی که بر اثر باد جمع و متراکم می گردد -^{۱۶۱-}

و در حقیقت آیه مبارکه مذکور می گوید: خدائی که قدرت دارد ذرات پراکنده خاک انسانها را در قیامت از نقاط مختلف جهان جمع آوری کند به آسانی می تواند یاران مهدی -عج- را در یک روز و یک ساعت برای برای افروختن نخستین جرقه های انقلاب به منظور تاسیس حکومت جهانی عدل الهی و پایان دادن به ظلم و ستم جمع نماید.

تعبیر -امه معدده- و همچنین با پاره های ابر پائیزی که توده های آن جمع و متراکم می گردند، حاکی است که این ۳۱۳ نفر خود یک -امت- هستند و همچون توده های ابرهای متراکم، خلل ناپذیر و تیز پرواز و نیرومند می باشند.

-۷- آنها رکنها و پایه های خلل ناپذیر و پشتیبانان محکم اند :

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۸۰، سوره هود علیه السلام که در آن آمده حضرت لوط علیه السلام به قوم سرکش و تبهکار خود گفت:

- لو اءن لی بکم قوه ءءو آوی الی رکن شدید-؛

-افسوس- ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود -
آنگاه می دانستم که با شما پس فطرتان چه کنم -

فرمود: منظور از -قوه- همان قائم -عج- است و منظور از -رکن شدید- پشتیبانان محکم ۳۱۳ نفر -از یارانش هستند -^{۱۶۲-}

آری حضرت لوط علیه السلام آرزو می کند که ای کاش مردانی مصمم، با قدرت روحی و جسمی کافی و هم پیمانهای نیرومند همانند ۳۱۳ نفر مردانی که هسته مرکزی حکومت جهانی حضرت مهدی -عج- را تشکیل می دهند در اختیار داشت تا قیام کند و با تکیه بر قدرت، با فساد و انحراف مبارزه نماید.

و طبق روایت می خوانیم آنها همچون پاره های آهن -محکم و استوار- هستند .^{۱۶۳-}

-۸- چند نشانه دیگر از این ۳۱۳ نفر :

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران مخصوص -مفضل- رحمه الله فرمود:

-وقتی که امام قائم -عج- از سوی خدا اجازه خروج و ظهور بگیرد، خدا را به اسم اکبر در لغت عبرانی بخواند و ۳۱۳ نفر از اصحابش که از افراد نخستین در مورد قبول ولایت امام هستند، مانند پاره های ابر پائیزی که به سوی او می شتابند، جمعی شبانگاه از بستر خود ناپدید شوند، و صبحگاه در مکه باشند و جمعی در روز دیده می شوند که بر روی ابر حرکت می کنند تا آنجا که فرمود:

این آیه -هر کجا باشید خداوند همه را حاضر می کند-^{۱۶۴-}

درباره آنها نازل شده است -^{۱۶۵-}

يکي از اصحاب مي گويد: در مسجدالحرام در مکه در حضور امام باقر عليه السلام بودم آن حضرت دستم را گرفت و فرمود:

-بزودي خداوند متعال ۳۱۳ نفر را در همين مسجد حاضر کند، مردم مکه مي دانند که هنوز پدران و اجداد آنها خلق نشده اند، همراه آنها شمشيرهاي است که بر هر شمشيري نام شخص و نام پدر و اوصاف و نسبش نوشته شده ، سپس به دستور امام -عج- شخصي اعلام مي کند: اين مهدي -عج- همچون داود عليه السلام و سليمان عليه السلام قضاوت مي کند و گواهي نمي خواهد -۱۶۶-

و در ضمن روايتي از امام صادق عليه السلام مي فرمايد:

-بر شمشيرهاي آنان هزار کلمه نوشته شده که هر کلمه آن کليد هزار کلمه ديگر است و آن حضرت ، باد را در هر دره اي بفرستد که ندا کند: اين مهدي -عج- است که قضاوت و حکومتش همچون قضاوت و حکومت داود عليه السلام است و گواهي از متخلفين نمي خواهد -۱۶۷- و بالاخره امام باقر عليه السلام فرمود:

-امام قائم -عج- داراي ۳۱۳ نفر ياور است که اين افراد از نژاد -عجم- هستند، بعضي از آنها در روز بر روي ابر سوار شده و راه مي روند، و بنام و پدر و اوصاف و نسب معروفند^{-۱۶۸-} و بعضي از آنها در بستر خود خوابيده اند و بدون وعده قبلي در مکه به حضور امام قائم -عج- شريفاب مي گردند -۱۶۹- اين روايات حاكي است که ۳۱۳ نفر در همه ابعاد انساني ، افراد شايسته و شخصيتهاي ممتاز و قاطع و دلير و داراي امکانات وسيع بوده و شايستگي آن را دارند که نخستين دسته گروندگان به آن حضرت باشند و هسته مرکزي حکومت حضرت قائم -عج- و سران ارتش انقلاب جهاني ايشان را تشکيل مي دهند.

-۹- دست خدا بالاي سر امام عج و يارانش :

از آنجا که اين مردان آزاده ، براستي به امام -عج- مي پيوندند تا در راه او هر گونه جانبازي لازم را بنمايند، خداوند نيز يار و ياور آنها است و با نيروهاي غيبيش آنها را کمک مي کند. چنانکه قرآن مي فرمايد:

- ان تنصرو الله ينصركم و يثبت اقدامکم ؛-

-اگر شما خدا را ياري کنيد، خداوند شما را ياري مي کند و گامهاي شما را استوار مي دارد -۱۷۰- امام سجاد عليه السلام فرمود:

-گويا صاحب شما -حضرت قائم -عج- - را مي بينم که همراه سيصد و اندي نفر در پشت کوفه به نجف مشرف شده ، جبرئيل عليه السلام در طرف راست و ميکائيل عليه السلام در طرف چپ و اسرافيل عليه السلام در پيش روي او است ، پرچم پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم را برافراشته و آن

پرچم را به جانب هیچ گروهی از مخالفان متمایل نکنند، مگر اینکه خداوند آنان را به هلاکت می
رساند - ۱۷۱-

نیز در ضمن روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
- هنگام خروج قائم -عج - منادی خدا از آسمان فریاد می زند: ای مردم! مدت ستمگران تمام شد، و
کار بدست بهترین امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم افتاد، روانه مکه شوید - ۱۷۲-
به این ترتیب می بینیم دست خدا همراه مهدی -عج - و یارانش است، در این صورت پیروزی آنها
حتمی است از طرفی در روایات می خوانیم خداوند خروج قائم -عج - را در یک شب سامان می
بخشد - ۱۷۳-

به هر حال طبق مضمون فرموده امام باقر علیه السلام این انقلاب نیاز به یاران قهرمان و رشید دارد، و
باید در این راه خونها ریخته شود و عرقها در بدن جاری گردد - ۱۷۴-
یارانی که شایسته اطراف امامی باشند که پرچم رسول خدا را به دست گرفته و اسلحه های پیامبر صلی
الله علیه و آله و سلم را با خود حمل می کند، و پیراهن خونی شده ای را که پیامبر صلی الله علیه و آله
و سلم در جنگ احد در تن داشت به تن دارد - ۱۷۵-

- ۱۰ نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی -عج -
جالب اینکه از امام باقر علیه السلام نقل شده فرمود:
- ... و یجی و الله ثلاث مائه و بضعه عشر رجلا فیهم خمسون امرئہ یجتمعون بمکة علی غیر میعاد
قزعا کقزع الخریف؛ -

- سوگند به خدا سیصد و اندی نفر مرد می آیند در میانشان ۵۰ نفر زن هستند، در مکه اجتماع می کنند
بی آنکه قبلا وعده داده باشند، آمدنشان همچون ابرهای پاییزی است - که با حرکات تند می آیند و در
آن مرکز جمع می گردند - ۱۷۶-

شکی نیست و به تجربه ثابت شده که زنان در انقلابها نقش مؤثر و تعیین کننده دارند، زنان هستند که
جوانان رشید و سلحشور در دامان پاک خود می پروراند و در پشت جبهه و خانه داری، پشتیبان
محکم و خوب برای مردان می شوند، آنها می توانند با تصمیم آهنین خود شهید پرور باشند، آتش
انقلاب را شعله ور سازند، و در کنار جبهه ها به پانسمان زخمی ها بپردازند و نوازشگر انقلابیون شوند.
در روایات آمده پس از جنگ احد بدن حضرت علی علیه السلام پر از زخم شد به طوری که ۶۰ مورد
از بدن مولا علی علیه السلام بریدگی سخت پیدا کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دو زن بنام
ام سلیم و ام عطیه رحمهما الله را ماء مور مداوا و پانسمان زخمهای بدن مبارک امام علی علیه السلام
نموده، آنها طبق ماء موریت به زخم بندی مشغول شدند، بعد گزارش دادند بقدری بدن حضرت علی
علیه السلام پر از زخم شده که هر زخمی را می بندیم در کنارش زخم دیگری شکافته می شود - ۱۷۷-

نیز در روایات آمده پنجاه نفر از اصحاب - یاران خاص - حضرت قائم - عج - زن هستند .^{-۱۷۸-}
به این ترتیب : زنان نیز باید شخصیت و نیروی معنوی خود را بیابند و بدانند که می توانند نقش سازنده داشته باشند و از اصحاب امام مهدی - عج - گردند، و در جبهه های سیاسی و نظامی ، شرکت و تلاش فعال نمایند، و همچون زینب کبری علیها السلام مسؤل و لیتهای سنگین یک انسان کامل را بدوش بکشند و رسالت خود را انجام دهند. - به امید آن روز - .

به این حدیث جالب نیز توجه کنید :

مفضل رحمه الله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

- همراه مهدی - عج - سیزده زن هست .

عرض کردم این بانوان برای چه در کنار مهدی - عج - هستند؟ فرمود: اینها مجروحان را مداوا می کنند و از بیماران جنگی پرستاری می نمایند، چنانکه زنان در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همراه آن حضرت در جنگها این کارها را به عهده می گرفتند .-

ضمناً ناگفته نماند که از کتاب خطبه البیان منسوب به امام علی علیه السلام آمده نخستین کسی که از ۳۱۳ نفر به خدمت امام عصر علیه السلام می رسد دو نفر بصری بنام علی و محارب ، و شش نفر دیگر از ابدال بنام عبدالله هستند .^{-۱۷۹-}

و بالاخره در وصف یاران مهدی - عج - از امام صادق علیه السلام به این مضمون آمده است :

- آنچنان در برابر فرمانده کل قوا خبردار ایستاده اند که گویا مرغی بر سرشان است و تکان نمی خورند غذایان تمام شده ، در عین حال آثار سجده در پیشانیشان پیدا است ، شیران روز و پارسایان شب هستند و قلبشان همچون پاره آهن محکم است .

همراه آنها پرچمی است که جبرئیل علیه السلام در جنگ بدر برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورد ... پرچمی که تا یک ماه راه از چهار طرفش ترس را بر دشمنان مسلط می کند از مکه بیرون نمی آید تا اینکه - حلقه ای - در اطرافش باشند، شخصی پرسید: این حلقه از چند نفر تشکیل شده ؟ امام صادق علیه السلام فرمود: از ده هزار نفر که جبرئیل علیه السلام در طرف راست و میکائیل علیه السلام در طرف چپ این حلقه هستند، سپس امام علیه السلام پرچم فتح را برافرازد و حرکت کند و در مشرق و مغرب کسی نماند جز اینکه - از روی عناد - بر آن پرچم لعنت کند .-^{-۱۸۰-}

۱- ارشاد شیخ مفید - رحمه الله - صفحه ۳۰۶ .

۲- ریاحین الشریعه ، ج ۳ ، ص ۲۵ .

۳- اثبأ الهدأه ، ج ۷ ، ص ۱۳۷ المجالس السنیه جلد ۵ ، صفحه ۶۷۸ مرحوم شهید در کتاب دروس نیز همین عقیده را دارد - اثبأ الهدأه جلد ۷ ، صفحه ۱۶۲ - .

۴- آیه ۵ و ۶ سوره قصص شرح بیشتر این مطلب در کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۰۵ و ۴۰۶ آمده است و اضافه شده که: امام قائم وقتی متولد شد، پاک بود و هیچگونه آلودگی نداشت و در بازوی راستش این آیه نوشته شده بود. -جاء الحق و زهق الباطل کان زهوقاً؛ حق آمد و باطل نابود شد، حتماً باطل نابود شدنی است.-

۵- توضیح المقاصد شیخ بهائی، صفحه ۵۳۲

۶- اثبأ الهداء جلد ۷، صفحه ۱۶۲

۷- اقتباس از کتاب المراقبات، نوشته عالم ربانی و عارف صمدانی، مرحوم حاج میرزا جواد تبریزی صفحه ۷۹ به بعد -دعاها و نمازهای دیگری نیز ذکر شده به این کتاب مراجعه شود.-

۸- بعضی از اصحاب خاص در زمان امام عسکری علیه السلام به خدمتش می رسیدند و مسائل خود را از آن حضرت می پرسیدند و جواب می گرفتند -در این باره به کتاب احتجاج طبرسی جلد ۲ صفحه ۲۶۸ به بعد مراجعه کنید.-

۹- اقتباس از جامع الثورین صفحه ۳۱۴ و بحار، ج ۵۱، ص ۳۲۲ به بعد در مورد غایب شدن آن حضرت در سرداب و جریان غرق دشمنان در کتاب مجالس السنیه جلد ۵ صفحه ۷۲۸ مطالبی آمده است.

۱۰- اثبأ الهداء، جلد ۷، صفحه ۱۸۵ المجالس السنیه، جلد ۵ صفحه ۲. ۷۷. ۳

۱۱- اثبأ الهداء جلد ۷، صفحه ۱۸۴

۱۲- اثبأ الهداء جلد ۷، صفحه ۱۸۴

۱۳- بحار جلد ۵۴، صفحه ۳۴۷ به نقل از امام باقر علیه السلام.

۱۴- دومین نائب خاص امام زمان علیه السلام

۱۵- من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة

۱۶- کشف الغمه جلد ۳، صفحه ۴۵۱

۱۷- المجالس السنیه محسن جبل عاملی جلد ۵

۱۸- المجالس السنیه سید محسن جبل عاملی جلد ۵

۱۹- المجالس السنیه، ج ۵ ص ۷۰، به نقل از طبرانی

۲۰- اعلام الوری، ص

۲۱- اعلام الوری، ص ۳، ۴

۲۲- بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۲۷۹

۲۳- کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۴۵ اعلام الوری، ص ۴۰۷

۲۴- اثبأ الهداء، ج ۷ ص ۱۰۳

- ۲۵- كشف العمه ، ج ۳ ص ۳۷۶ اثبأ الهداء ، ج ص ۱۹۰ ۲۰۸.
- ۲۶- اثبأ الهداء ، ج ۷، ص ۱۸۵.
- ۲۷- اثبأ الهداء ، ج ۷، ص ۲۳۸.
- ۲۸- اثبأ المقاصد شيخ بهائي ، ص ۵۰۶۵۱۰.
- ۲۹- توصبح المقاصد شيخ بهائي ، ص ۵۰۶۰۵۱۰.
- ۳۰- ناگفته نماند كه امام صادق فرمود :همه ما امامان قائم هستيم ، ولي آن قائم -امام دوازدهم - صاحب شمشير -قدرت و حكومت - است و برنامه اي غير از برنامه ما دارد -اثبأ الهداء ، ج ۷، ص ۱۲۷-.
- ۳۱- بحار، ج ۵۱، ص ۳۰.
- ۳۲- اثبأ الهداء ، ج ۷، ص ۱۱۰ و نیز در همین کتاب ص ۱۶۹ وجه تسميه ديگري در مورد واژه مهدي از امام باقر عليه السلام نقل شده است -توضيح اينكه : مردم در آن زمان ، اسلام راستين را گم کرده اند حضرت مهدي -عج - آنها را به دين اسلام ناب هدايت مي کند - توضيح المقاصد ص ۵۱۲-.
- ۳۳- بحار، ج ۵۱ ص ۳۰.
- ۳۴- بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۶ ۱۵۱.
- ۳۵- كرهه قريه اي است در يمن -المجالس السنيه ، ج ۵، ص ۷۰۸-.
- ۳۶- اثبأ الهداء ج ۷، ص ۵۸.
- ۳۷- اثبأ الهداء ، ج ۷، ص ۳۷۱.
- ۳۸- شرح اسرار آميز اين ماجرا را در كتاب عدل منتظر، ص ۸۴ تا ۹۹ و در كتاب -مثلت برمودا- بخوانيد.
- ۳۹- مصباح كفعمي ، ص ۲۱۹.
- ۴۰- بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.
- ۴۱- عدل منتظر، شماره ۵ كتاب سالانه مسجد صدرية تهران ، ص ۹۲.
- ۴۲- منظور امامت معصومين است
- ۴۳- اثبأ الهداء ، ج ۷، ص ۴۰۲.
- ۴۴- بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.
- ۴۵- تفسير صافي ، ذيل آيه ۸۶ سوره هود.
- ۴۶- كشاف الغمه ، ج ۳، ص ۲۶۱.
- ۴۷- كشف الغمه ، ج ۳، ص ۴۶۰.
- ۴۸- سوره مريم ، آيه ۳۱.

۴۹- سال ۱۳۷۶.

۵۰- شرح این مطلب را در کتاب -پرتوی از سیره چهارده معصوم علیه السلام، در فصل زندگی امام جواد علیه السلام-تالیف نگارنده - بخوانید.

۵۱- تاریخ علوم، پی یر روسو، صفحه ۴۳۲.

۵۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۵، ط جدید- باب ۳۳.

۵۳- باید توجه داشت که منظور از نام اصلی همان همانام بودن با پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۵۴- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۴.

۵۵- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳ حدیث ۵.

۵۶- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۱۱.

۵۷- که نویسنده اش حضرت ولی عصر-عج- است.

۵۸- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، باب ۳۳، حدیث ۱۳.

۵۹- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، حدیث ۱۴.

۶۰- بحار، ج ۵۱.

۶۱- بحار، ج ۵۱.

۶۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۳.

۶۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸، حدیث ۹.

۶۴- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷، حدیث ۷ از باب ۳۳.

۶۵- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸، حدیث ۸.

۶۶- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ حدیث ۱۲ از باب ۳۳.

۶۷- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ حدیث ۱۳ از باب ۳۳.

۶۸- معمولاً در این گونه احادیث منظور از مردم -ناس- اکثریت مردم آن عصر که مخالفان امامان بودند می باشد.

۶۹- بحارالانوار، چاپ قدیم، ج ۱۳، ص ۸.

۷۰- گوسفندی را که به عنوان حفظ نوزاد و طفل از گزند قربانی می کنند عقیقه می گویند- وسائل

الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹ حدیث ۱۵، باب ۳۳-.

۷۱- مدرک پیشین، حدیث ۱۶.

۷۲- مدرک پیشین، ص ۴۸۷، حدیث ۱۷ از باب ۳۳.

۷۳- مدرک پیشین، حدیث ۱۹.

۷۴- مدرک پیشین.

- ۷۵- مدرک پیشین ، حدیث ۲۰.
- ۷۶- وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۴۸۹ ، حدیث ۱۹.
- ۷۷- مدرک پیشین ، ص ۴۸۹ ، حدیث ۱۹.
- ۷۸- مدرک پیشین ، ج ۱۱ ، ص ۴۹۲.
- ۷۹- علامه مجلسی رحمه الله این اخبار را در بحار طبع جدید ، ج ۵۱ ، از ص ۳۱ به بعد آورده است.
- ۸۰- با توجه به اینکه قسم دوم از روایات از جهت خوف ، مطلق بودند.
- ۸۱- در صورت تساقط ، اصل عدم حرمت نام بردن است.
- ۸۲- وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ، صفحه ۴۸۶.
- ۸۳- روایت ششم از قسم چهارم از روایاتی که قبلاً ذکر شد.
- ۸۴- این فصل ترجمه مقاله ای است از کتاب -القواعد الفقهیه - جلد سوم ، صفحه ۱۲۴ ، تاءلیف استاد معظم آیت الله مکارم شیرازی.
- ۸۵- بحار ، ج ۵۲ ، ص ۱۵۸.
- ۸۶- جنه الماءوي ، بحار طبع جدید ، ج ۵۳ ، ص ۳۲۰.
- ۸۷- به این ترتیب غیبت صغری در حدود ۷۰ سال بوده است و بعضی این مدت را ۷۴ سال دانسته اند یعنی از سال ۲۵۵ - سال تولد امام عصر - عج - تا سال ۳۲۹ - کشف الغمه ، ج ۳ ، ص ۴۵۴ - شرح این مطلب در بحار الانوار ، ج ۵۱ ص ۳۴۴ به بعد آمده است.
- ۸۸- مدرک پیشین ، ص ۱۰۱ کشف الغمه ، ج ۳ ، ص ۴۵۷.
- ۸۹- احتجاج طبرسی ، ج ۲ ، ص ۲۶۳ ، سفینه البحار ، ج ۲ ، ص ۳۸۱.
- ۹۰- نهج البلاغه ، خطبه ۲۲۴.
- ۹۱- نهج البلاغه ، خطبه ۲۷.
- ۹۲- نهج البلاغه ، نامه ۴۱.
- ۹۳- نهج البلاغه ، نامه ۴۵.
- ۹۴- سوره صاد ، آیه ۲۶.
- ۹۵- بحار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۰۴.
- ۹۶- اثبائه الهداء ، ج ۷ ، ص ۶۵.
- ۹۷- در پاسخ این سؤال عالم بزرگوار تشیع سید مرتضی رحمه الله گوید :- وقتی که از راه عقل و نقل ، صحت امامت امام قائم - عج - ثابت شد ، اگر فلسفه غیبت را ندانیم چه مانعی دارد ، چنانکه فلسفه بسیاری از احکام ما پوشیده است - تلخیص از کشف الغمه ، ج ۳ ، ص ۴۶۲ -.
- ۹۸- بحار ، ج ۵۲ ص ۳۵۱.

- ۹۹- سوره فصلت ، آیه ۵۳.
- ۱۰۰- بحار، ج ۵۱ ص ۶۲ منظور از این تفسیر این است که یکی از مصادیق روشن حق که پس از طول زمان آشکار خواهد شد وجود قائم -عج - است.
- ۱۰۱- بحرا، ج ۵۲، ص ۱۴۰.
- ۱۰۲- سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۵۰.
- ۱۰۳- سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۵۰.
- ۱۰۴- احیاء العلوم و مهجۀ البيضاء.
- ۱۰۵- اثبأ الهداء، جلد ۷، صفحه ۴۰.
- ۱۰۶- دو حدیث فوق را ابن ماجه در سنن خود نقل کرده است -اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۹۷-.
- ۱۰۷- اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۹۷، المجالس السنيه، ج ۵، ص ۶۹۷.
- ۱۰۸- اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۸۹، ككششف الغمه، ج ۳، ص ۳۷۵، المجالس السنيه، ج ۵، ص ۶۹۶.
- ۱۰۹- ككششف الغمه، ج ۳، ص ۳۷۵ و ۳۸۱.
- ۱۱۰- بحار، ج ۵۲، ص ۱۰۱ تا ۱۲۲ اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۸۶.
- ۱۱۱- به توضیح المقاصد، شیخ بهائی، ص ۴۹۷ به بعد بنگرید.
- ۱۱۲- المجالس السنيه ج ۵، ص ۷۰۵.
- ۱۱۳- المجالس السنيه، ج ۵، ص ۳۹۸.
- ۱۱۴- بحار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ به بعد.
- ۱۱۵- یکی از بلاد گیلان.
- ۱۱۶- منتهی الآمال، ص ۳۳۷ در این کتاب به بعضی از علائم دیگر نیز اشاره شده است به ص ۳۳۵ به بعد مراجعه شود، در کتاب بحار، ج ۵۲ نیز بطور کوتاه از سید حسنی از قول امام باقر علیه السلام آمده است، و نیز در ج ۵۳ ص ۱۱۵ جریان سید حسنی آمده است، و در آنجا ذکر شده وقتی سید حسنی از امام مطالبه دلائل می کند و یقین به صدق امام پیدا می کند می گوید: اللّٰه اکبر دستت را بده تا با تو بیعت کنم. با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او، سپاه جز زیدیه - نیز بیعت می کنند.
- از امام صادق علیه السلام نقل شده، -سید حسنی و یارانش، دلاورانۀ از امام قائم -عج - دفاع می کنند، ولی سرانجام در راه امام شهید می شود، اهل مکه او را می کشند و سرش را به شام می فرستند - بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۱-.
- ۱۱۷- تفصیل آن در کتاب اعلام الوری، ص ۴۲۹.
- ۱۱۸- اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۳۹۷.
- ۱۱۹- اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

- ۱۲۰- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹ و اعلام الوری، ص ۴۲۶.
- ۱۲۱- کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۶۴ بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
- ۱۲۲- اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۳۹۷ بحار، ج ۵۲، ص ۲۱۳- از نسل عتبه بن ابی سفیان.-
- ۱۲۳- اعلام الوری، ص ۴۲۸.
- ۱۲۴- المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۲۳ این درخت بلند و پر شاخه ای است که در آن هنگام در حیره است -اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۶۸-
- ۱۲۵- اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۲۳۹.
- ۱۲۶- المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۲۳، بحار، ج ۵۳، ص ۱۰.
- ۱۲۷- اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۴۲ ۱۷۶.
- ۱۲۸- در این باره به بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴ و ۱۹۵ مراجعه شود.
- ۱۲۹- المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۱۰.
- ۱۳۰- اثبأ الهدأ، ج ۷، ص ۱۳۷ علانم بسیار دیگری نیز ذکر شده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها صرف نظر شد
- ۱۳۱- بحار، ج ۵۲۳ ص ۲۸۳.
- ۱۳۲- سوره حجر، ۳۷ و ۳۸.
- ۱۳۳- اثبأ الهدأ، ج ۷ ص ۱۰۱.
- ۱۳۴- بحار، ج ۵۲، ص ۳۸۴ توضیح بیشتر اینکه کشته شدن و نابود شیطان همانند کشته شدن و نابودی ما نیست، شیطان مثل ما جسم ندارد تا کشته شود، کشته شدن او در مورد بالا همان قطع نفوذ او و مرگ حکومت و تزویر او می باشد.
- ۱۳۵- ان تنصرو الله ینصرکم و یثبت اءقدامکم - محمد ۷-.
- ۱۳۶- بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۲- یصنع کما صنع رسول...-
- ۱۳۷- یا ایها الذین آمنوا منیرتد منکم عن دینه فسوف...
- ۱۳۸- تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۷ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸.
- ۱۳۹- تفسیر برهان، جلد ۱، صفحه ۴۹۷.
- ۱۴۰- تفسیر نورالثقلین، جلد ۱، صفحه ۶۴۲.
- ۱۴۱- تفسیر نور الثقلین، جلد ۱، صفحه ۶۴۲.
- ۱۴۲- مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۲ در بعضی از روایات بجای دین -علم - آمده است -حلیه ابو نعیم اصفهانی، جلد ۶، صفحه ۶۴- شرح بیشتر این مطلب را در کتاب -ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و -...تألیف نگارنده بخوانید.

- ۱۴۳- و طبق بعضی از روایات آن ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام زمان علیه السلام از عجم هستند. -
اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۹۲.
- ۱۴۴- قال علي بن الحسين عليه السلام : يا ابا خالد ان اهل زمان غيبته القائلين بامامته المنتظرين لظهوره افضل من اهل كل زمان ان الله تبارك و تعالي اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة و جعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله صلي الله عليه و آله بالسيف اولئك المخلصون حقا و شيعتنا صدقا و الدعاء الي الله سرا و جهرا -كمال الدين و تمام النعمة، صفحہ ۳۲۰-
- ۱۴۵- يخرج ناس من المشرق فيوطنون للمهدي سلطانه -كنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۶-.
- ۱۴۶- بحار، جلد ۵۲، صفحہ ۳۵۸.
- ۱۴۷- بحار، جلد ۵۲، ۳۳۵. نظير اين روايت با كمی تفاوت از امام سجاد عليه السلام نقل شده كه فرمود :-اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شيعتنا العاهة و جعل قلوبهم كزير الحديد و جعل قوة الرجل منهم قوة اربعين رجلا و يكونون حكام الارض و سنامها...؛
وقتي كه قائم ما قيام كند خداوند متعال، پيروان ما را از آفات حفظ كند و قلب آن را همچون پاره آهن محكم سازد و نيروي هر مردی از آنها را به اندازه نيروي چهل مرد كند، و آنها حاکمان و سران مردم روي زمين خواهند بود -بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۷-.
- ۱۴۸- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.
- ۱۴۹- اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۴۱۹.
- ۱۵۰- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.
- ۱۵۱- ارشاد مفيد، ص ۳۹۹ اعلام الوري، ص ۴۳۳.
- ۱۵۲- ذي طوي در حدود يك فرسخي مكه در راه تنعيم قرار گرفته است -مجمع البحرين ماده طوي-
- ۱۵۳- اين حديث از امام باقر عليه السلام نقل شده -بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۷-.
- ۱۵۴- اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۹۲.
- ۱۵۵- بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۰ به همين مضمون در كتاب اثبأ الهداء، ج ۷، ص ۱۷۶، نقل شده با اين بيان كه حضرت قائم -عج - كنار در حرم مي ايستد و با فریاد، يارانش را مي طلبد، خداوند در يك شب ۳۱۳ نفر يارانش را از دورترين نقاط زمين در آنجا به گرد هم مي آورد.
- ۱۵۶- بحار، ج ۲، ص ۳۱۷ اول من بايع جبرئيل ثم ثلاثمائة و ثلاث عشر رجلا.
- ۱۵۷- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ص ۳۳۷.
- ۱۵۸- بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.
- ۱۵۹- بحار، ج ۵۲، ص ۴۳۶.

- ۱۶۰- سوره بقره ، آیه ۱۴۸ .
- ۱۶۱- تفسیر نور الثقلین ، ج ۱ ، ص ۱۳۹ ، به نقل از روضه کافی و اثبات الهداء ، ج ۷ ، ص ۵۰ بحار ج ۵۲ ، ص ۳۴۲ .
- ۱۶۲- تفسیر برهان ، ج ۲ ، ص ۲۲۸ اثبات الهداء ، ج ۷ ص ۱۰۰ .
- ۱۶۳- بحار، ج ۵۲ ، ص ۳۴۳ .
- ۱۶۴- سوره بقره ، آیه ۱۴۸ .
- ۱۶۵- اثبات الهداء ، ج ۷ ، ص ۹۴ .
- ۱۶۶- مدرک پیشین ، ص ۹۰ .
- ۱۶۷- مدرک پیشین ، ص ۹۱ .
- ۱۶۸- اثبات الهداء ، ج ۷ ، ص ۹۲ و بحار، ج ۵۲ ، ص ۳۷۰ و المجالس السنیه ، ج ۵ ، ص ۲۴ .
- ۱۶۹- اثبات الهداء ، ج ۷ ، ص ۹۲ .
- ۱۷۰- سوره محمد صلی الله علیه و آله ، ایه ۷ .
- ۱۷۱- اثبات الهداء ، ج ۷ ، ص ۱۱۳ .
- ۱۷۲- مدرک پیشین .
- ۱۷۳- مدرک پیشین ، ص ۱۱۴ ، یصلح الله امره فی لیلئ .
- ۱۷۴- بحار الانوار، ج ۵۲ ، ص ۳۵۸ .
- ۱۷۵- بحار الانوار، ج ۵۲ ، ص ۳۰۱ ۲۴۲ .
- ۱۷۶- مدرک پیشین ، ص ۲۲۳ .
- ۱۷۷- تفسیر المیزان ، ج ۴ ، ص ۶۹ ، به نقل از اصول کافی .
- ۱۷۸- ویروی آن خمسین امرئئ من اصحب الامام المهدي -عج - -المجالس السنیه ، ط ، نجف ج ۵ ، ص ۵۵۱
- ۱۷۹- الاوائل ، ص ۳۳ .
- ۱۸۰- بحار، ج ۵۲۳ ، ص ۳۶۷ اثبات الهداء ، ج ۷ ، ص ۸۸ گویا اشاره به شرقیهای طرفدار سیستم کمونیسیم و غربیهای طرفدار کابیتالیسیسم که با این پرچم مخالفت می کنند می باشد .